

نظام مسائل عدالت

و

پایش عدالت‌پژوهی در ایران

عدالت یکی از مفاهیم پیچیده و گسترده اجتماعی بوده به‌گونه‌ای که دخالت و اهمیت آن در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی امری غیرقابل تردید است. از این رو پرداختن به این مقوله جزو اولویت‌های دانشی جوامع علمی در سرتاسر جهان بوده و هست. وجود ادبیات وسیع و غنی در این حوزه علاوه بر کمک به تولید محتوای قوی‌تر، بر سردرگمی و پیچیدگی فعالیت‌ها و اقدامات جدید در این عرصه دامن خواهد زد.

عدالت اجتماعی در مکتب اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که در قرآن کریم اقامه‌ی قسط و عدل هدف ارسال رُسل و انزال کتب آسمانی (حدید ۵۷: ۲۵) ذکر شده و خداوند بر پانمودن آن را تکلیف همه‌ی مسلمانان قرار داده (نساء ۴: ۱۳۵) و به آن امر کرده است (نحل ۱۶: ۹۰).

تأکید ویژه اسلام بر عدالت اجتماعی به دلیل آثار مهم آن است. حضرت امیر (ع) در این باره تعابیر کوتاه و دلنشین بسیار دارد. ترجمه‌ی بخشی از آن‌ها چنین است: عدل موجب حیات جوامع^۱ و دوام قدرت^۲ و نفوذ حُکم حاکم^۳ و حفاظت از دولت‌ها^۴ و ثبات آن‌ها^۵ و قوی‌ترین اساس و زیربنا است.^۶ عدالت‌ورزی موجب

^۱ علی (ع) العدل حیاة. برای آگاهی از مجموع این تعبیرها به کتاب الحیاة، ج ۶، ص ۴۰۶ - ۳۲۷ مراجعه شود.

^۲ اعدل تَدُمُ لک القدره.

^۳ من عدل نفذ حُکْمَه

^۴ مَنْ عَمِل بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مَلْکَه.

^۵ ثبات الدَّوْل بِاِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ.

^۶ العدل اقوی اساس.

عظمت یافتن منزلت انسان^۷ و پیروزی بر دشمنان^۸ و چند برابر شدن برکات^۹ و ریزش رحمت خداوند^{۱۰} و عمران و آبادانی^{۱۱} و اصلاح امر مردم است.^{۱۲} ایجاد دولت عادل از واجبات است^{۱۳} و برپا ساختن عدل در شهرها بهترین چیزی است که موجب روشنی چشم حاکمان و (شادی دل آنان) می‌گردد.^{۱۴} عدل موجب جمال و حشمت والیان^{۱۵} و ملاک سیاست^{۱۶} و موجب واداشتن مردم به اطاعت است.^{۱۷}

از طرف دیگر عنصر عدالت نقشی بی‌بدیل در دستگاه ارزشی نظام جمهوری اسلامی داشته و دارد. ارزشی که می‌توان آن را در بالاترین سند قانونی کشور یعنی قانون اساسی مشاهده نمود. در بندهای مختلفی از جمله بند ۹، ۱۲ و ۱۴ از اصل سوم قانون اساسی بر اهدافی چون ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای مرد و زن تاکید و تصریح شده است. حضرت امام خمینی (قدس سره) عدالت را متن اسلام^{۱۸}، ویژگی حکومت‌های اسلامی^{۱۹} و معنا و مفهوم جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند^{۲۰} و مقام معظم رهبری عدالت را معیار حق و باطل حکومت‌ها^{۲۱} و ملاک تشخیص پیشرفت اسلامی از غیر اسلامی می‌دانند.^{۲۲}

7 منْ عدل عظم قدره.

8 منْ غمَّ عدله، نُصِرَ على عدوه.

9 بالعدل تتضاعف البركات.

10 من عدل في البلاد، نشر الله عليه الرحمة.

11 ما عُمرت البلدان بمثل العدل.

12 العدل يصلح البرية.

13 الدولة العادل من الواجبات

14 انْ افضل قرّة عين الولاة استقامة العدل في البلاد.

15 العدل ... جمال الولاة.

16 ملاك السياسة العدل.

17 الرعية سواد يستعبدهم العدل.

18 ر.ک: امام خمینی (قدس سره)، 459/11.

19 ر.ک: امام خمینی (قدس سره)، 265 / 11 - 266.

20 ر.ک: امام خمینی (قدس سره)، 10 / 9.

21 ر.ک: بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی 1389/09/10

22 ر.ک: بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) 1388/01/01

عدالت اجتماعی در زمان ما از اهمیتی دو چندان برخوردار است. زیرا به تعبیر مقام معظم رهبری، کشور در مسیر پیشرفت‌های جهشی در عرصه‌های مختلف است و در چنین موقعیتی نیاز به تصمیم‌گیری‌های بزرگ است و چنانچه در این تصمیم‌گیری‌ها عنصر عدالت مغفول باقی بماند آثار و ضایعاتش غیر قابل محاسبه خواهد بود.²³ سیاست‌های کلان در هر اجتماعی توسط رهبران آن تعیین شده و همه دلسوزان و اندیشمندان آن جامعه سعی در تحقق سریع‌تر و بهتر اهداف و آرمان‌های تعیین شده دارند. مجموعه شرایط و ویژگی‌های نظری و عملی کشور در سال‌های گذشته باعث شد که رهبر معظم انقلاب اسلامی دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی را «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نام‌گذاری نموده و خط سیر دانشی و اجرایی کشور را در این مقطع زمانی جهت‌دهی کنند.

تصمیم‌گیری‌های بزرگ دارای آثار مهمی بر زندگی مردم و به ویژه توزیع ثروت‌ها و درآمدها در جامعه خواهد بود و اگر عنصر عدالت در این تصمیمات مغفول بماند به سرعت از اهداف اصلی حکومت اسلامی دور شده و به تدریج جمهوری اسلامی ایران ماهیت اسلامی خود را از دست خواهد داد. برای آنکه این اتفاق نیافتد و عدالت مغفول نماند، مقام معظم رهبری این دهه را به عنوان دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامیدند و تلاش می‌نمایند با تأکید بر عدالت و برگزاری نشست اندیشه‌های راهبردی در این باره ذهن نخبگان علمی، سیاست‌مداران و همه مردم را متوجه این هدف مهم نموده و بحث در این باره را به یک گفت‌وگو جدی و زنده در جامعه تبدیل نمایند.

بی‌تردید نخبگان علمی در موضوع عدالت وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند. وظیفه آنها دستیابی به نظریه اسلامی ناب در باب عدالت اجتماعی است. نظریه‌ای که از سویی مبتنی بر مبانی بینشی و ارزشی اسلام و در چارچوب اخلاق و حقوق اسلامی است و از سوی دیگر برای امروز ما قابل اجرا و راه‌گشا است.

عدالت اجتماعی، موضوعی بین رشته‌ای با گستره‌ای وسیع و دارای اضلاع متکثر و بهم پیچیده است. به همین جهت، برای نظریه‌پردازی در آن و دستیابی به نظریه جامع عدالت اجتماعی لازم است با روشی معین در یک برنامه علمی میان مدت و بلند مدت از نخبگان علمی در رشته‌های مختلف استفاده شود. با این وجود نظریه-

²³ رک: بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی 90/02/27

پردازشی در هر یک از شعب و شاخه‌های آن نیز مهم و لازم است، زیرا افزون بر این که هر نظریه‌ای در حوزه موضوعی خودش قابل اجرا است، زمینه‌ساز دستیابی به نظریه جامع عدالت اجتماعی نیز هست.

اولین قدم در راه تحقق این هدف، ارزیابی و برآورد دقیق توان دانشی و تئوریک جامعه علمی برای رسیدن به آن است. در واقع بدون اطلاع از مشخصات و ظرفیت‌های نظری جامعه در حوزه‌های گوناگون امکان برنامه‌ریزی دقیق و جامع برای نیل به مقاصد مختلف فراهم نخواهد شد. به معنای دقیق‌تر، در شرایط پیچیده‌ی کنونی که علوم مختلف ارتباطات وسیعی با یکدیگر داشته و حوزه‌های تخصصی زیادی را شکل داده‌اند، وجود نقشه راهی که بتواند ضمن بیان امکانات و شرایط موجود، به خواست‌ها، اندیشه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی جهت دهد امری شایسته و بایسته خواهد بود.

از منظر دیگر باید گفت اقامه عدالت در عرصه فردی و اجتماعی تنها تک بعدی نبوده و عوامل و شاخص‌های گوناگونی در تحقق این هدف دخالت مستقیم یا غیر مستقیم خواهند داشت. وجود عناصر و عوامل گوناگون و در بعضی اوقات متباین، لزوم ترسیم و تدوین مسیری را برای تحقق نظری و عملی عدالت را گوشزد می‌نماید.

در ادامه سعی خواهیم کرد نظام محورها، موضوعات و مسائل عدالت را تدوین کنیم و یک نظام طبقه‌بندی موضوعی ارائه کنیم، تا از این طریق چارچوبی برای سنجش و ارزیابی فعالیت‌های دانشی در حوزه عدالت فراهم شود.

۱. بیان موضوع

حرکت پرشتاب جوامع از حوزه صنعت‌محور به دانش‌محور نیازها و چالش‌های جدیدی را پیش‌روی آنان قرار داده است. از جمله مهم‌ترین این موانع انباشت بیش از حد و نامحدود دانش از یک طرف و نیازهای روزافزون حکومت‌ها و ملت‌ها از سوی دیگر است. ظهور مشکلات جدید خود باعث تولید دانش‌هایی نو برای حل آن‌ها شده است. از جمله این دانش‌ها بحث «مدیریت دانش» است. این موضوع زیر مجموعه دانش سازمان و مدیریت بوده و سابقه‌ای طولانی ندارد.

به صورت بسیار ساده، مدیریت دانش فرآیندی است که طی آن سازمان-بطور خاص- و دولت-بطور عام- به ایجاد ارزش از دارایی‌های فکری و دانش‌محور می‌پردازد. اغلب، ایجاد ارزش مستلزم به اشتراک‌گذاری دانش بین کارکنان، بخش‌های سازمانی و دولتی و یا حتی سایر سازمان‌ها و دولت‌ها است. (Turban,2003)

۲. نظام مسائل

مقصود از نظام مسائل یک موضوع، ساختاری منطقی و جامع از محورها، موضوعات کلان و مسائل آن است که نقشه راه پژوهش در آن موضوع را نشان می‌دهد. برای دستیابی به نظام مسائل یک موضوع دو روش وجود دارد: یکی روش قیاسی و دیگری روش استقرایی. در روش قیاسی با استدلال و سبر و تقسیم منطقی به نظام مسائل دست یافته می‌شود؛ ولی در روش استقرایی ابتدا مسائل پژوهشی با استقراء پیشینه پژوهشی، بدست آمده و سپس با در نظر گرفتن مسائل هم سنخ، ترتیبی نسبتاً نظام‌مند و منطقی به آن داده می‌شود.

در این نوشتار برای دستیابی به نظام مسائل از روش قیاسی و استقرایی به صورت مکمل هم استفاده شده است. همچنین به دلیل ابعاد و سطوح و گستره وسیع عدالت، ابتدا محورهای کلان این موضوع تعیین گشته، سپس هر محور به موضوعات تقسیم شده است. پس از آن تحت عنوان ابعاد، عرصه‌ها و رشته‌های مرتبط با الگو شمارش شده تا در نهایت به تصویری منطقی و جامع از مسائل پژوهشی آن دست یابیم. ترتب منطقی محورها و موضوعات و مسائل خود به خود بخشی از نقشه راه پژوهش را نشان خواهد داد. بر این اساس در ادامه به روش فوق در ساختاری منطقی محورها و موضوعات اصلی و ابعاد ارائه شده و برای دستیابی به مسائل ذیل هر موضوع نیز پیشنهاد روشنی ارائه خواهد شد.

با این توصیفات لزوم شناسایی، جمع‌آوری و دسته‌بندی تلاش‌های مختلف صورت گرفته در حوزه عدالت امری لازم و ضروری خواهد بود. این کار ضمن ترسیم وضعیت موجود امکان برنامه‌ریزی‌های آینده و سیاست‌گذاری‌های جامع‌تر و صحیح‌تر در حوزه عدالت پژوهی را برای سیاست‌گذاران و مجریان فراهم می‌آورد.

۱-۲. ساختار نظام مسائل

ما در اینجا دو نوع تقسیم‌بندی از نظام مسائل عدالت به دست می‌دهیم. در اولی بر تفکیک «عدالت مطلق» از «عرصه‌های عدالت» تأکید شده است. اما در تقسیم‌بندی دوم، مسائل و محورها و موضوعات عدالت به ۱۰ عنوان کلی تفکیک شده که هر یک زیرعنوانهایی دارد. در دومی «عرصه‌های عدالت» تنها یکی از ۱۰ عنوان کلی است.

۱-۱-۲. طبقه‌بندی نظام مسائل عدالت بر اساس تفکیک عدالت مطلق از عرصه‌های عدالت

مسائل عدالت را ابتدا در دو محور اصلی عدالت مطلق و عرصه‌های عدالت (که اعم است از عدالت‌های مضاف، عدالت‌های موصوف) طبقه‌بندی می‌کنیم. زیرا برخی از مسائل به عدالت با صرف نظر از عرصه‌های آن مربوط می‌شود و برخی مسائل در ارتباط با عدالت در عرصه‌های خاص است هم‌چون عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، و ...

عدالت مطلق

موضوعات ذیل عدالت مطلق را می‌توان به دو کلان موضوع تقسیم کرد:

۱. مباحث پیشینی یا مقدماتی: مقصود مباحثی است که با نگاه فرانگر عقلانی به عدالت مطرح می‌شود. مباحثی از قبیل مفهوم، ضرورت، کارکرد، اهداف، و ...
۲. نظریه اسلامی عدالت: مقصود از نظریه در اینجا مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های به هم مرتبط و نظام‌مند است که توضیح روشن، دقیق و منطقی از یک پدیده یا حقیقت ارائه می‌کند. مقصود از نظریه اسلامی عدالت نظریه‌ای در باب عدالت است که مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلامی باشد.

عرصه‌های عدالت

موضوعات مربوط به عدالت‌های مضاف را نیز می‌توان به پنج کلان موضوع تقسیم کرد:

۱. مباحث مقدماتی که با نگاه فرانگر عقلانی به مباحث پیشینی عدالت مضاف می‌پردازد.

۲. نظریه اسلامی عدالت مضاف که به تبیین عدالت مضاف بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی می‌پردازد. نظریه اسلامی عدالت مضاف مشتمل بر ثابتات

اسلامی است که ناظر به زمان و مکان مشخصی نیست. در این نظریه با استناد به منابع اسلامی ۴ موضوع از دیدگاه اسلام تبیین می‌شود:

الف. ترسیم وضعیت مطلوب عدالت مضاف در جامعه

ب. اصول روش تحلیل وضعیت موجود

ج. اصول راهبردی تغییر وضعیت

د. معیارها و شاخص‌ها

۳. الگوی اسلامی ایرانی عدالت مضاف: مقصود از الگوی اسلامی ایرانی عدالت "تصویری روشن از نظریه اسلامی عدالت مضاف ناظر به ویژگی‌های پایدار

جامعه ایران" است. به عبارت دیگر این الگو بازخوانی نظریه اسلامی عدالت مضاف با توجه به شرایط پایدار ایران است. مقصود از شرایط پایدار شرایطی

است که در پهنه‌ی چند سند چشم انداز تغییر نمی‌کند. این شرایط بر اساس مطالعات محیطی - آمایش سرزمین، فرهنگ، جمعیت و...، مطالعات منطقه‌ای -

کشورهای همسایه، ارتباطات منطقه‌ای و...، مطالعات بین‌المللی - ملاحظات، شرایط و...، مطالعات آینده پژوهی و ... تعیین می‌شود.

بر این اساس الگوی اسلامی - ایرانی عدالت باید مبین شش مساله زیر باشد:

۳.۱. آینده پژوهی

۳.۲. مطالعات محیطی (داخلی - بین‌المللی)

۳.۳. ترسیم وضعیت مطلوب عدالت در عرصه ملی: در این بخش با توجه به جامعه آرمانی اسلامی و شرایط پایدار ایران، وضعیت مطلوب ترسیم می‌شود.

۳.۴. تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت موجود عدالت در عرصه ملی: در این بخش با بکارگیری اصول و روش‌های تحلیل و آسیب‌شناسی در نظریه‌های عدالت مضاف وضعیت موجود جامعه نسبت به وضعیت مطلوب مقایسه شده و فاصله‌ی وضعیت موجود از مطلوب تبیین می‌گردد.

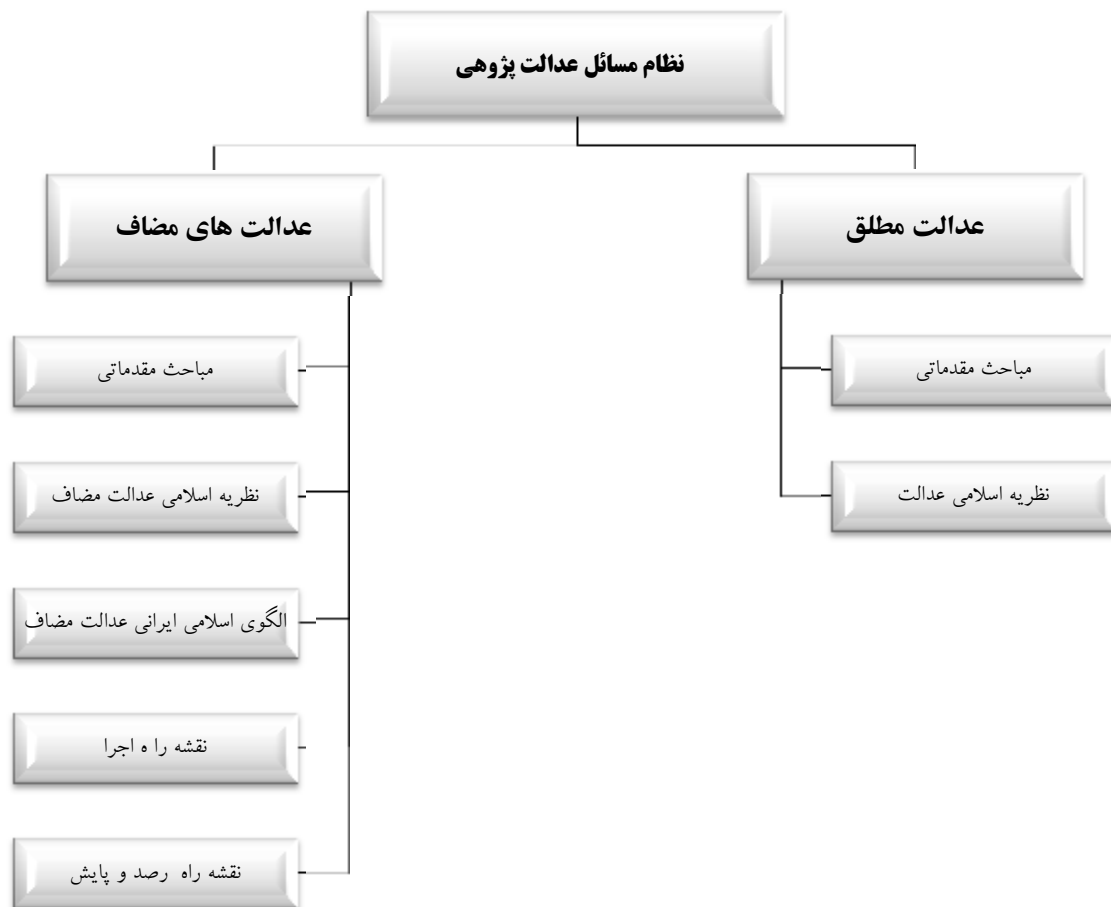
۳.۵. اصول راهبردی: در این بخش نیز اصول حاکم بر فرایند تحقق عدالت اجتماعی با توجه به شرایط پایدار ایران بازخوانی و عملیاتی می‌شود. مقصود از اصول راهبردی چارچوب‌های ثابتی است که برنامه‌ها و سیاست‌ها باید در آن چارچوب‌ها قرار گیرد.

۳.۶. معیارها و شاخص‌ها

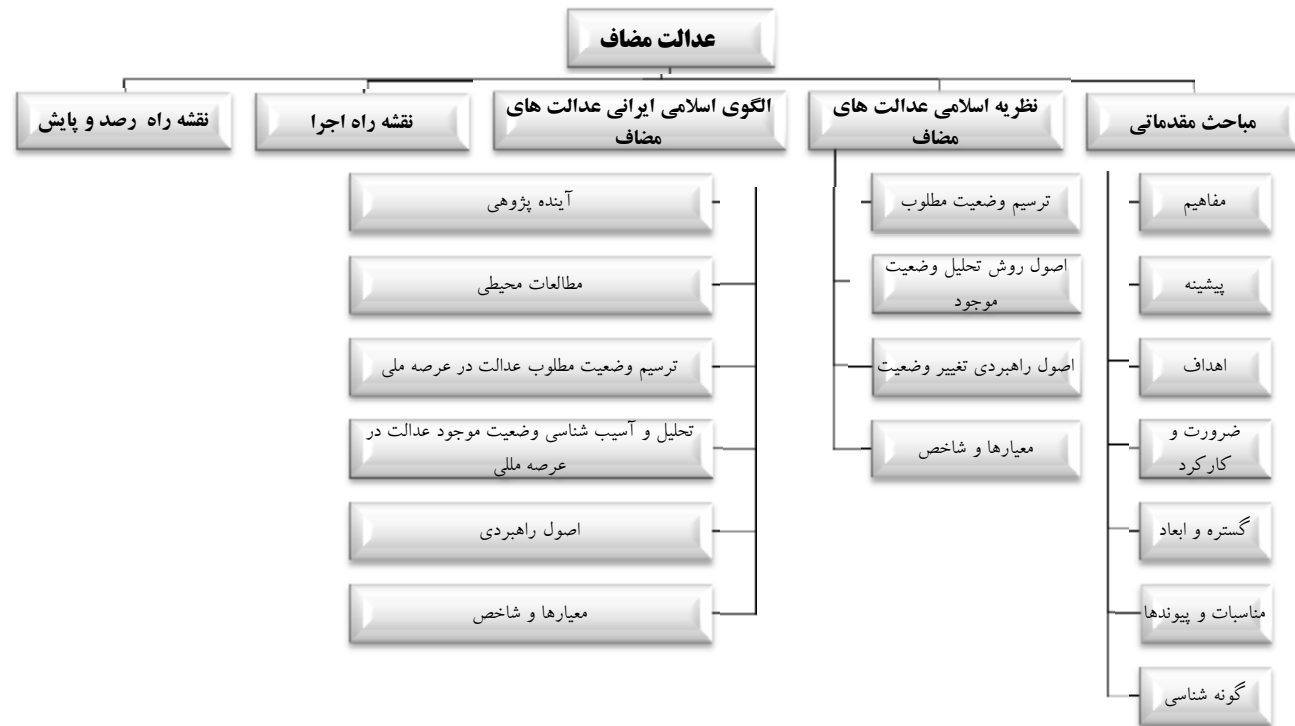
۴. نقشه راه اجرای الگو: پس از طراحی الگو نوبت به اجرای آن می‌رسد. نقشه راه اجرا به مراحل اجرای این الگو و برنامه‌ها و سیاست‌ها و تبیین نقش نهادها و سازمان‌ها در اجرای آن و مسائلی از این قبیل می‌پردازد.

۵. نقشه راه رصد و پایش: در این نقشه چگونگی و مراحل رصد و پایش مسیر اجرا تبیین می‌گردد. این نقشه برای آن است که در مرحله اجرا از الگوی طراحی شده منحرف نشویم.

بدین ترتیب مجموعه محورها و موضوعات کلان بحث عدالت را می‌توان در نمودارهای زیر نشان داد:







۱-۱-۲-۱. عرصه‌های عدالت مضاف

برای تشخیص عرصه‌های عدالت‌های مضاف باید به تعریف عدالت برگردیم. عدالت اجتماعی عبارت است از «اعطاء کل ذی حق حقه». متعلق حق امتیازات و فرصت‌های مادی و معنوی است. بنابر این نوع‌شناسی امتیازات و فرصت‌ها ما را به انواع حق و در نهایت به عرصه‌های عدالت‌های مضاف می‌رساند. بدین ترتیب استقراء انواع امتیازات و فرصت‌ها ما را به عرصه‌های زیر از عدالت مضاف می‌رساند:

۱. عدالت اقتصادی؛

۲. عدالت سیاسی؛

۳. عدالت محیط زیستی؛

۴. عدالت قضایی؛

۵. عدالت معنوی؛

۶. عدالت تعلیم و تربیت؛

۷. عدالت بهداشت و سلامت؛

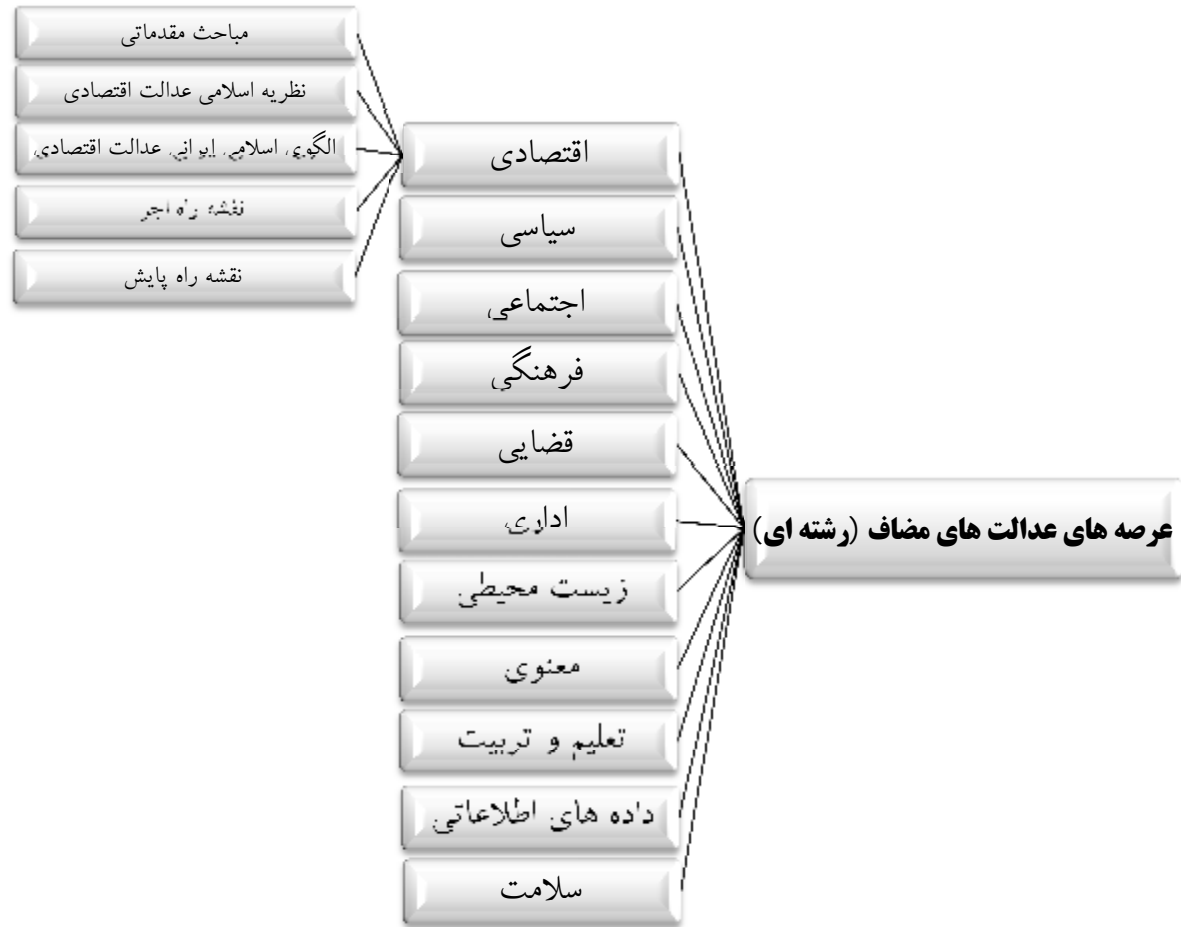
۸. عدالت اداری و سازمانی؛

۹. عدالت داده‌های اطلاعاتی و رسانه‌ها؛

۱۰. عدالت فرهنگی؛

۱۱. عدالت اجتماعی به معنای خاص (مولفه های جامعه شناختی، عاطفی و خانوادگی)

در هر یک از این عرصه ها موضوعاتی که در نمودار پیشین در باره عدالت های مضاف نشان داده شد قابل طرح است. برای نمونه در نمودار زیر در ارتباط با عدالت اقتصادی این موضوعات نشان داده شده است.



۲-۱-۲. طبقه‌بندی نظام مسائل عدالت در ۱۰ دسته

۱-۲-۱-۲. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این طبقه‌بندی، تلفیقی از دو روش «تحلیل مقوله» و «طبقه‌بندی» می‌باشد که هر دو زیر مجموعه روش‌های تحقیق کیفی قرار می‌گیرند. روش تحلیل مقوله، روشی است برای دیدن. در واقع این روش به ما کمک می‌کند تا با دیدن شواهدی از یک موضوع به الگویی برای پیش بینی آینده دست یابیم و بتوانیم آینده را در قالب این الگو ترسیم نماییم. این روش سه مرحله‌ی کلی دارد که عبارتند از:

۱. مشاهده داده‌ها

۲. کدگذاری داده‌های مهم (بر مبنای الگوهای پیشین) و دستیابی به الگو

۳. تفسیر الگو (Boyatzis, 1998: pp1-12)

روش تحلیل مقوله، فرایند کدگذاری اطلاعات کیفی است. مقوله در حقیقت الگویی است که ما از درون اطلاعات می‌یابیم و حداقل کاری که انجام می‌دهد توصیف و دسته‌بندی مشاهدات بوده و در حالت حداکثری نیز ابعاد یک پدیده را تفسیر می‌نماید. مقوله ممکن است به صورت استقرایی یا بطور قیاسی از مشاهدات و اطلاعات بدست آید.

طبقه‌بندی یکی از روش‌های بسیار معمول در تحقیقات کیفی و مفهومی است. بطور ساده طبقه‌بندی عبارتست از: «دسته‌بندی موجودیت‌ها در گروه‌ها یا دسته‌ها بر اساس مشابهت‌های آن‌ها». این تعریف تاکید می‌نماید که موجودیت‌های قرار گرفته در هر گروه باید تا حد امکان متمایز از سایر گروه‌های دیگر باشند. علاوه بر این داخل هر دسته نیز باید نوعی همگنی بین عناصر مختلف وجود داشته باشد به گونه‌ای که بتوان نوعی هدف یا مقسم مشترک را برای هر یک در نظر گرفت. بطور کلی طبقه‌بندی خود به سه نوع مفهومی، تجربی و تلفیقی (مفهومی=تجربی) تقسیم می‌گردد (Bailey, 1994: pp۱-۳). در این جا قصد ورود به تعریف عناصر و ویژگی‌های

هریک از انواع طبقه‌بندی را نداشته بلکه تنها متذکر می‌شود که طبقه‌بندی مورد استفاده در این مقاله از قسم اول می‌باشد چرا که ما با مفهومی پیچیده و گسترده‌ای چون عدالت روبرو هستیم که خود در برخورد با حوزه‌های گوناگون مفاهیم جدیدی را تولید نموده است. بدیهی است این نوع طبقه‌بندی مشکلات بیشتری نسبت به دیگر انواع آن داراست.

بر این مبنا و با اتخاذ رویکرد استقرایی و استفاده از روش تحلیل مقوله منابع مختلف بررسی و مجموعه‌ای از کلیدواژه‌ها و عناوین مناسب برای سرفصل‌های نظام طبقه‌بندی استخراج شد. سپس بر اساس همین کلیدواژه‌ها و با بهره‌گیری از روش طبقه‌بندی موضوعات کلی و اصلی جدا و مباحث خردتر به عنوان زیر مجموعه هر یک از عناوین کلی قرار گرفت. لازم به ذکر است که در مواردی و با توجه به دیدگاه نویسندگان بطور قیاسی مواردی به نظام کلی اضافه شده تا بتواند خلاً دانشی موجود را برطرف نموده و راه‌ها و مسائلی جدید پیش‌روی محققان قرار دهد.

۲-۲-۱-۲. نظام طبقه‌بندی گستره معرفتی و عملی عدالت (JCS^{۲۴}):

دسته‌های اصلی:

۱. مبادی فلسفی مساله عدالت
۲. چیستی و مفهوم عدالت
۳. چرایی مساله عدالت
۴. شاخص‌های اندازه‌گیری عدالت

²⁴ Justice classification system

۵. شاخصه‌های معیار عدالت
۶. عرصه‌های عدالت (عدالت‌های موصوف)
۷. چگونگی تحقق و اقامه عدالت
۸. سیاستهای ناظر بر عدالت
۹. بازه جغرافیایی عدالت
۱۰. رصد و پایش جامعه علمی در خصوص مساله عدالت

طبقه‌بندی تفصیلی:

۱. فلسفه عدالت^{۲۵}
 - ۱.۱. مبادی هستی‌شناختی مساله عدالت
 - ۱.۱.۱. وصف فعل ربوبی
 - ۱.۱.۲. وصف فعل بُردار انسانی
 - ۱.۱.۳. معیار حقانیت مناسبات و نظامات اجتماعی

25 می‌بایست رویکرد فلسفی اسلام مبتنی بر معارف قرآنی و روایی تحلیلی مطرح شود و سایر مکاتب غربی بصورت تطبیقی و انتقادی مورد بررسی قرار گیرند.

- ۱.۲. مبادی خدا شناختی مساله عدالت
- ۱.۳. مبادی غایت شناختی مساله عدالت
- ۱.۴. مبادی انسان شناختی مساله عدالت
- ۱.۵. مبادی معرفت شناختی مساله عدالت
- ۱.۶. مبادی زیبایی شناختی مساله عدالت
- ۱.۷. مبادی ارزش شناختی مساله عدالت
- ۱.۸. مبادی تکلیف شناختی مساله عدالت
- ۱.۸.۱. مبادی فلسفه اخلاق و فلسفه عدالت
 - ۱.۸.۱.۱. نتیجه گرایی
 - ۱.۸.۱.۲. وظیفه گرایی
 - ۱.۸.۱.۳. فضیلت گرایی
- ۱.۸.۲. مبادی فلسفه حقوق و فلسفه عدالت
- ۱.۹. مبادی دین شناختی مساله عدالت
- ۲. چیستی و مفهوم عدالت

۲.۱. نظریات مبنای عدالت

۲.۱.۱. نظریه حقانیت ذاتی

۲.۱.۲. احساس‌گرایی

۲.۱.۳. نظریه اشاعره

۲.۱.۴. نظریه بنای عقلایی

۲.۱.۵. طبیعت‌گرایی

۲.۱.۶. پوزیتویزم اخلاقی

۲.۱.۷. تاریخ‌گرایی

۲.۱.۸. عمل‌گرایی

۲.۱.۹. کثرت‌گرایی اخلاقی

۲.۱.۱۰. قرارداد‌گرایی

۲.۲. تعاریف

۲.۲.۱. مکتب مبتنی بر انصاف و استحقاق

۲.۲.۱.۱. نظریه انصاف

- ۲.۲.۱.۲ نظریه استحقاق و تناسب (اعطاء کل ذی حق حقه)
- ۲.۲.۱.۳ نظریه شایستگی
- ۲.۲.۱.۴ نظریه نوزیک
- ۲.۲.۲ مکاتب مبتنی بر برابری و نیاز
 - ۲.۲.۲.۱ عدالت به مثابه تساوی طلبی
 - ۲.۲.۲.۲ نظریه قرارداد اجتماعی
 - ۲.۲.۲.۳ مکتب عدالت مارکسیستی
- ۲.۲.۳ مکاتب مبتنی بر مطلوبیت گرایی و رفاه
 - ۲.۲.۳.۱ نظریه مطلوبیت گرایی
 - ۲.۲.۳.۲ نظریه حداکثرسازی ثروت
 - ۲.۲.۳.۳ نظریه پارتو
 - ۲.۲.۳.۴ نظریه فقدان حسادت
- ۲.۲.۴ مکاتب مبتنی بر موقعیت و زمینه
 - ۲.۲.۴.۱ نظریه کانمن-نتسیچ-تیلر (KKT)

- ۲.۲.۴.۲. نظریه عدالت محلی^{۲۶}
- ۲.۲.۴.۳. نظریه خالی از سرزنش^{۲۷}
- ۲.۲.۴.۴. نظریه توازن اجتماعی
- ۲.۲.۵. مکاتب مبتنی بر وضع مطلوب
- ۲.۲.۵.۱. نظریه وضع بایسته
- ۲.۲.۵.۲. نظریه توازن
- ۲.۲.۵.۳. نظریه قوام
- ۲.۲.۵.۴. نظریه بی طرفی
- ۲.۲.۶. نظریه‌های شخصیت محور
- ۲.۲.۶.۱. نظریه جامعه‌گرایان (والترز، مکین‌تایر، سندل و ...)
- ۲.۲.۶.۲. نظریه هیوم
- ۲.۲.۶.۳. نظریه کانت

²⁶ Local Justice (نظریه پدیدار شناختی هم نامیده می‌شود)

²⁷ Blame Freeness

۲.۲.۶.۴. نظریه لیبرترین‌ها (هایک، نوزیک و ...)

۲.۲.۶.۵. نظریه متفکران اسلامی (فارابی، ابن مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن رشد، علامه طباطبایی، شهید مطهری و ...)

۲.۳. گونه‌شناسی و دسته‌بندی‌های تعاریف

۲.۴. تحلیل مقایسه‌ای و انتقادی تعاریف

۲.۵. ترابط عدالت با سایر مفاهیم

۲.۵.۱. کارآیی

۲.۵.۲. دموکراسی

۲.۵.۳. آزادی

۲.۵.۴. مصلحت

۲.۵.۵. قسط و برابری

۲.۵.۶. خط فقر و توزیع درآمدی

۲.۵.۷. نوع دوستی^{۲۸}

۲.۵.۸. ایثار^{۲۹}

^{۲۸} Altruistic

- ۲.۵.۹. همکاری و تعاون
- ۲.۵.۱۰. دولت
- ۲.۵.۱۱. سرمایه اجتماعی
- ۲.۵.۱۲. نهادهای مردمی
- ۲.۵.۱۳. تداوم بین نسلی^{۳۰}
- ۲.۵.۱۴. انگیزه ها
- ۲.۵.۱۵. رقابت^{۳۱}
- ۲.۵.۱۶. مسابقه^{۳۲}
- ۲.۵.۱۷. بازار و بخش خصوصی
- ۲.۵.۱۸. انباشت^{۳۳}
- ۲.۵.۱۹. ثبات، پایداری و تداوم^{۳۴}

^{۲۹} Devotion

^{۳۰} Inter-generational

^{۳۱} Competition

^{۳۲} Contest

^{۳۳} Accumulation

۲.۵.۲۰. تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا^{۳۵}

۲.۵.۲۱. حقوقی - تنظیمی^{۳۶}

۲.۵.۲۲. فرهنگی - اجتماعی^{۳۷}

۲.۵.۲۳. اطلاعات

۳. چرایی مساله عدالت

۳.۱. جایگاه و اهمیت

۳.۲. آثار و تبعات بی‌عدالتی

۳.۳. مخالفان مساله عدالت

۳.۴. مساله اولویت در شرایط تزامن با سایر اهداف و آرمان‌ها

۴. شاخص‌های اندازه‌گیری عدالت^{۳۸}

³⁴Continuity

³⁵Implementation

³⁶Legislative and Regulative

³⁷Social and cultural

³⁸باید شاخص‌های اندازه‌گیری شناسایی، معرفی و نقد شوند. همچنین حوزه تناسب آنها با بخش‌ها و حوزه‌های مختلف تعریف و مشخص شود و در نهایت شاخص‌های اسلامی - بومی - ایرانی ساخته شوند.

۵. شاخصه‌های عدالت
۶. چگونگی تحقق و اقامه عدالت
 - ۶.۱. تجارب تاریخی شکست و موفقیت جریان‌های عدالت مدار
 - ۶.۲. الزامات پیشینی تحقق عدالت
 - ۶.۲.۱. حقوقی - اساسی
 - ۶.۲.۲. فرهنگی (فرهنگ عمومی، آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی)
 - ۶.۲.۳. اجتماعی
 - ۶.۲.۴. جامعه شناختی
 - ۶.۲.۵. آماری
 - ۶.۲.۶. اقتصادی
 - ۶.۲.۷. ترتیبات نهادی و تنظیمی
 - ۶.۳. دلالت‌های نظریه‌ها و ابزارهای سیاست‌گذاری عمومی برای اقامه عدالت (نظام تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، مدیریت عدالت)
 - ۶.۴. سیاست‌های کلان اقتصادی
 - ۶.۵. مساله ادراک و احساس عدالت/ یا احساس بی‌عدالتی علیرغم وجود عدالت

۷. عدالت‌های موصوف^{۳۹}

۷.۱. عدالت سیاسی / عدالت در نظام سیاسی

۷.۲. عدالت فرهنگی / عدالت در حوزه فرهنگی

۷.۳. عدالت آموزشی - تربیتی / عدالت در حوزه آموزشی

۷.۴. عدالت اقتصادی - مالی

۷.۴.۱. عدالت بخش کشاورزی

۷.۴.۲. عدالت بخش خدمات

۷.۴.۳. عدالت بخش صنعت

۷.۴.۴. عدالت بخش تعاونی

۷.۴.۵. عدالت بخش پولی

۷.۴.۶. عدالت بخش مالی

۷.۴.۷. عدالت بخش انرژی

^{۳۹}می‌بایست مشتمل بر موارد زیر باشند: تعریف، تاریخچه قبل و بعد انقلاب، وضعیت موجود برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، مبانی‌های نظری برنامه‌ها و چشم‌اندازها، ترسیم وضع مطلوب شاخص - ها و شاخصه‌ها، مشکلات و موانع، عوامل تسهیل کننده حرکت، برنامه‌های عمل و بسته‌های سیاستی.

- ۷.۴.۸. عدالت بخش مسکن
- ۷.۴.۹. عدالت بخش بازرگانی و خارجی
- ۷.۴.۱۰. عدالت در حوزه اقتصاد سیاسی
- ۷.۴.۱۱. عدالت در فضای بین المللی و ترتیبات جهانی
- ۷.۴.۱۲. عدالت در حوزه سرمایه و منابع انسانی
- ۷.۴.۱۳. عدالت در بخش غیر رسمی اقتصاد
- ۷.۴.۱۴. عدالت در حوزه فناوری
- ۷.۵. عدالت سلامت، بهداشتی - غذایی
- ۷.۶. عدالت جنسیتی
- ۷.۷. عدالت حقوقی - قضایی
- ۷.۸. عدالت سازمانی و شرکتی
- ۷.۹. عدالت خانوادگی
- ۷.۱۰. عدالت زیست محیطی
- ۷.۱۱. عدالت بین نسلی

۸. برخی سیاست‌های ناظر بر عدالت
- ۸.۱. سیاست‌های تامین حداقل بهداشت و سلامتی
 - ۸.۲. سیاست‌های تامین آموزش عمومی
 - ۸.۳. سیاست‌های تامین حداقل غذا و تغذیه
 - ۸.۴. سیاست‌های تامین حداقل درآمد و ارتقاء از خط فقر
 - ۸.۵. سیاست‌های تامین حداقل حقوق زنان و عدم تبعیض در مسائل جنسیتی
 - ۸.۶. سیاست‌های تامین حداقل حقوق کودکان
 - ۸.۷. سیاست‌های محافظت از محیط زیست
 - ۸.۸. سیاست‌های کاهش تعارضات سیاسی، قومی و منطقه‌ای
 - ۸.۹. کاهش اختلالات قیمتی
 - ۸.۱۰. کاهش هزینه‌های مبادلاتی^{۴۰}
 - ۸.۱۱. کاهش رانت‌های غیر قانونی و تبعیضی
 - ۸.۱۲. کاهش شکست‌های تعاملی^{۴۱}

⁴⁰ Transactional costs

- ۸.۱۳ حذر از موارد شکست دولت^{۴۲} و شکست بازار^{۴۳}
- ۸.۱۴ کاهش تعارضات^{۴۴} و تمهید بستر رقابت^{۴۵} افزایش تعاملهای همکاری^{۴۶}
- ۸.۱۵ افزایش انباشت سرمایه انسانی و بُردار شایستگی‌ها و توانمندی‌ها^{۴۷}
۹. بازه جغرافیایی عدالت
- ۹.۱ عدالت در سطح شهری - روستایی
- ۹.۲ عدالت در سطح قومی
- ۹.۳ عدالت در سطح منطقه‌ای
- ۹.۴ عدالت در سطح ملی
- ۹.۵ عدالت در سطح همکاری‌های منطقه‌ای بین‌المللی
- ۹.۶ عدالت در سطح جهانی - بشریت

⁴¹ Coordination failure

⁴² Government failure

⁴³ Market failure

⁴⁴ Conflicts

⁴⁵ Market based Competitions and State-led Contests

⁴⁶ Cooperative interactions

⁴⁷ Capabilities vector

۱۰. رصد و پایش جامعه علمی در خصوص مساله عدالت

- ۱۰.۱. بررسی برنامه‌های آموزشی و تربیت سرمایه انسانی مورد نیاز در حوزه عدالت
- ۱۰.۲. بررسی برنامه‌های پژوهشی مربوط به مساله عدالت و حل مسائل و معضلات معرفتی آن
- ۱۰.۳. رصد و پایش مستندات اجرایی و تقنینی در باب عدالت
- ۱۰.۴. شبکه واژگانی مساله عدالت و مدیریت دانش آن^{۴۸}

۳. پایش تولیدات علمی و عمومی درباره‌ی عدالت

در ادامه و براساس نظام طبقه‌بندی موضوعی بدست آمده، سعی شد تا براساس بانک‌های اطلاعاتی و نمایه‌های موجود در کشور، تولیدات و مکتوبات موجود در کشور طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹، در چهارگونه مقالات عمومی، مقالات علمی و پژوهشی، کتاب، و پایان نامه، مورد پایش قرار گیرند و روندهای کلی و موضوعی استخراج گردد. نتیجه حاصله، آمایشی است نسبتاً جامع از جریان‌های علمی و مکتوب کشور در موضوعات مربوط به عدالت، که افت و خیز رکوردهای علمی و عمومی آنها حسب سیر زمانی و تطابق با برخی تحولات سیاسی - اجتماعی کشور گویای نکات ارزنده‌ای است.

^{۴۸}مواردی چون: تناسب، حقوق، مساوات، نیاز، توزیع، مالکیت، تبعیض، مسوولیت، مصلحت، قرارداد اجتماعی، اخلاق، سعادت، مطلوبیت، ترجیحات، رفاه، انصاف، منزلت، کارآمدی، سعی و تلاش، امنیت، آزادی، کرامت و سرمایه انسانی، دولت،

ضمن این که خروجی این پایش، نشان از نحوه تخصیص منابع کشور به مساله عدالت بوده است و شکاف‌های مفهومی را در این عرصه‌ها نشان می‌دهد. این موضوع دلالت‌های راهبردی متعددی را برای سیاست‌گذاران علمی کشور و متولیان امر در بردارد.

اما آنچه در کل گزارش مشاهده می‌شود حجم بسیار پایین فعالیت علمی در همه عرصه‌های موضوعی و مفهومی مساله عدالت است.

لازم بذکر است در گزارش‌گیری نهایی حسب نظام طبقه‌بندی موجود، چه بسا یک مقاله یا کتاب چند بار رکورد گیری شده باشد.

نکات:

۱- با توجه به وجود محدودیت‌های مختلف در طول دوره جستجو و تهیه بانک، متذکر می‌شود که منابع جمع‌آوری شده شامل همه فعالیت‌های این حوزه نشده و تلاش نویسندگان بر این بوده است که تا حد امکان منابع بطور جامع و مانع گردآوری و تحلیل گردند. از این رو با توجه به نظام طبقه‌بندی تدوین شده حدود ۷۰ کلیدواژه اصلی استخراج و با توجه به آن‌ها جستجو در چند پایگاه اطلاعاتی اصلی فارسی زبان انجام شد. این پایگاه‌ها عبارتند از: سایت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (noormags.com)، سایت جهاد دانشگاهی (sid.ir)، سایت کتابخانه ملی ایران (nli.ir)، و سایت مدارک علمی ایران (irandoc.ac.ir).

۲- برخی از منابع سال ۱۳۸۹ به دلیل عدم به روز شدن سایت‌ها تا زمان تدوین گزارش وارد بانک اطلاعاتی نشده و این امر باید در مطالعه و تحلیل نمودارها تا حدی مد نظر قرار گیرد. البته حتی المقدور منابع سال ۸۹ جمع‌آوری شده‌اند.

۳- وجود نظام طبقه‌بندی عدالت (JCS) و لزوم دسته‌بندی منابع بر اساس این نظام باعث شده است که برخی منابع در چند حوزه مشترک یا غیر مشترک دارای شماره‌های مختلفی باشند. این امر بیانگر این نکته است که در برخی از مباحث و سرفصل‌های اصلی عدد مورد نظر بیانگر تعداد عددی منابع تولید شده نبوده

بلکه نشانگر واحد کار تولید شده در آن حوزه‌های خاص است. این امر ضمن عدم وارد نمودن خدشه به اصل اطلاعات امکان تحلیل صحیح را نیز از بین نخواهد برد.

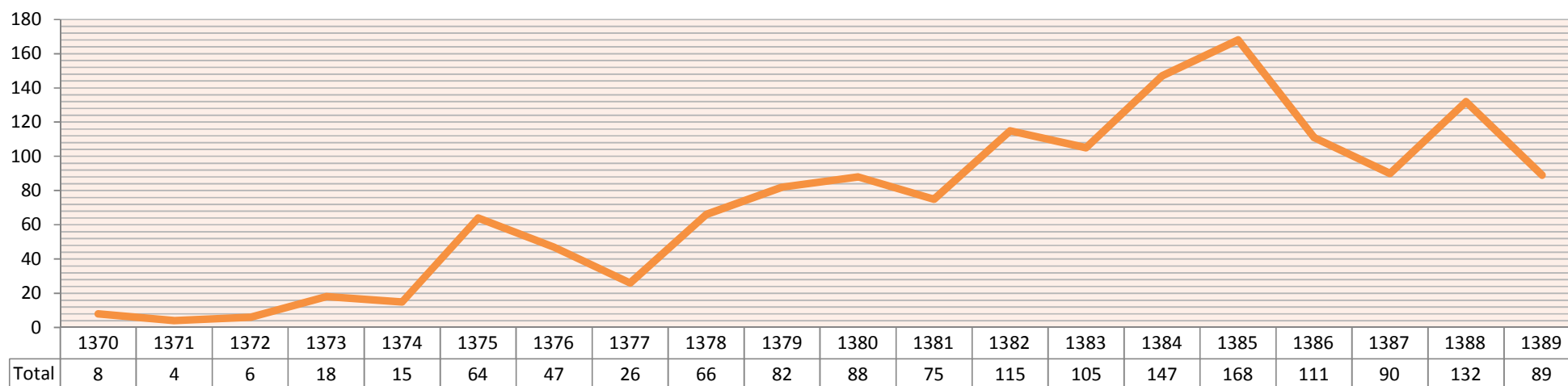
در پایان باید تصریح کرد که گزارش حاضر و نظام طبقه‌بندی طراحی شده بی‌شک دارای نواقص و خللی است که امکان اصلاح و بهبود آن بطور حتم در آینده مقدور خواهد بود. هدف اصلی ایجاد مبنایی بمنظور پایش و ارزیابی دقیق، صریح و شفاف از وضعیت حوزه معرفتی و عملی عدالت در کشور است که بتواند ابزاری مناسب برای تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان حوزه عدالت‌پژوهی را در اختیار مسئولان قرار دهد. این نیازمندی ضرورت پایش مستمر این حوزه برای تطبیق با شرایط و اقتضائات جدید ملی و بین‌المللی را برای کشور بیش از پیش آشکار خواهد نمود.

۴- طبیعی است تحلیل‌های ارائه شده صرفاً بیانگر دیدگاه و نوع نگرش نویسندگان به آمارهای موجود است که قطعاً دارای اشکالات و اشتباهاتی است. امید است این گزارش در آینده و با تلاش سایر اندیشمندان این حوزه پخته‌تر و دقیق‌تر گردد.

۳-۱. گزارش سرفصل‌های اصلی حوزه عدالت‌پژوهی

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱- روند کلی فعالیت‌های عدالت‌پژوهی | ۶- شاخصه‌های معیار عدالت |
| ۲- فلسفه عدالت | ۷- چگونگی تحقق و اقامه عدالت |
| ۳- چیستی و مفهوم عدالت (تعاریف عدالت) | ۸- عرصه‌های عدالت (عدالت‌های موصوف) |
| ۴- چرایی مساله عدالت | ۹- سیاست‌های ناظر به عدالت |
| ۵- شاخص‌های اندازه‌گیری عدالت | ۱۰- بازه جغرافیایی عدالت |

رند کلیه فعالیتهای علمی عدالت طی سالهای 1370-1389



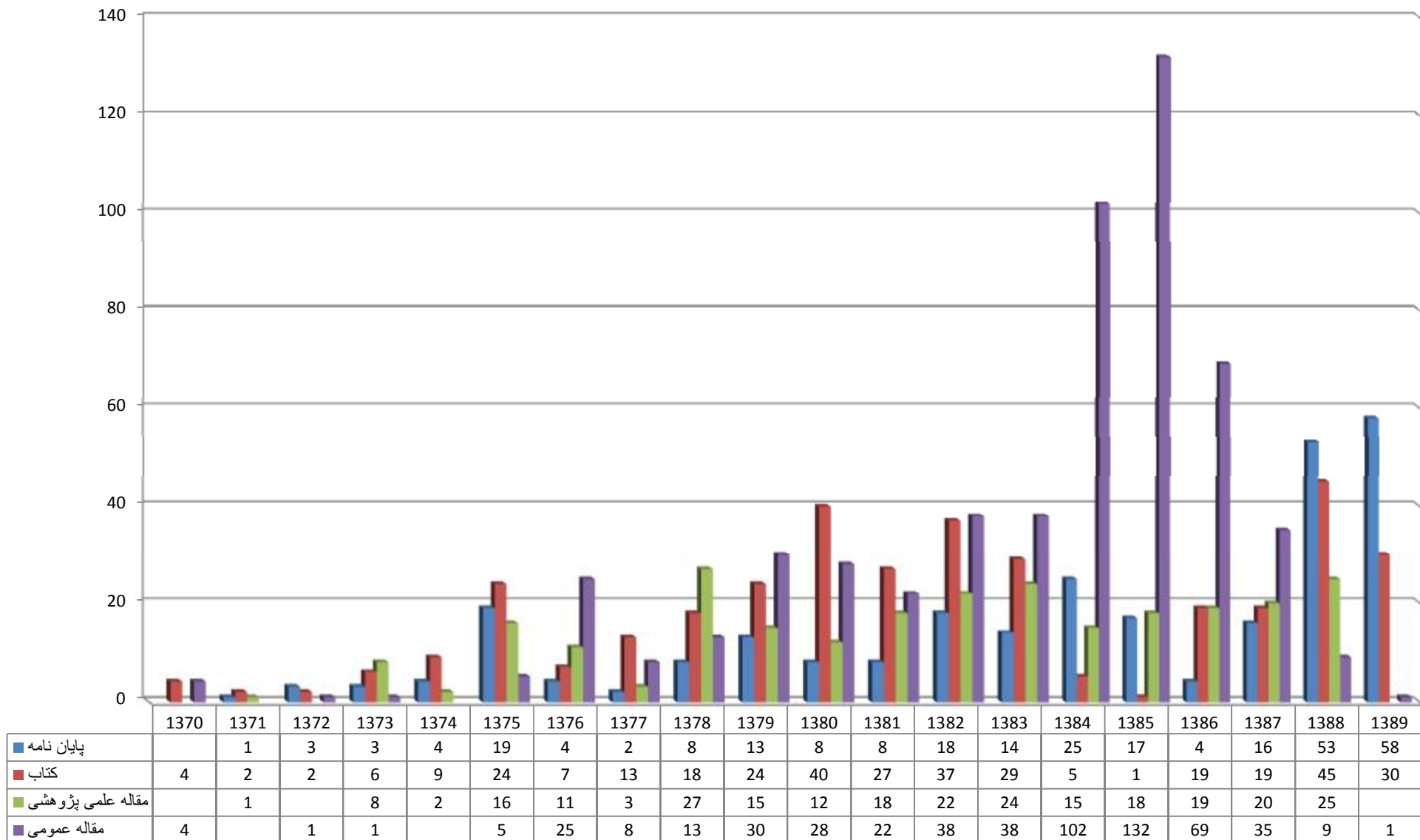
نگاهی کلی به مجموعه تلاش‌های انجام شده در سال‌های قبل پیرامون عدالت بی‌شک بستر خوبی برای ارزیابی واقع‌بینانه و برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای آینده این حوزه خواهد بود. مروری بر این فعالیت‌ها که در قالب نمودار بالا قابل مشاهده هستند می‌تواند تبیین‌کننده نکاتی باشد:

۱. بطور کلی و با عدم در نظر گرفتن سال‌های ۱۳۷۶،۷۷ روند کلی توجه و پژوهش در حوزه عدالت (در همه اشکال آن) روندی صعودی و رو به جلو داشته است. اگرچه که لازم است نوع فعالیت‌های صورت گرفته به تفکیک نیز مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گیرند تا بتوان تصویر واضح‌تر از شرایط عدالت-پژوهی در کشور بدست آورد.

۲. تحلیل دیگری که می‌توان از نمودار فوق دریافت این است که بطور معمول بعد از استقرار دولتی جدید (یا به معنای بهتر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری) با نوسان یک سال معمولاً موضوع عدالت و میزان توجه به آن با افت محسوسی همراه بوده است. این امر بیانگر دو نکته است. اولاً این‌که نخبگان علمی و به تبع مراکز و فعالیتهای علمی به شدت تحت تاثیر فضای سیاسی جامعه بوده و هستند و ثانیاً برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدتی برای تولید محتوای تئوریک در این حوزه وجود نداشته چرا که این برنامه‌ریزی باعث نوعی حرکتی فرا جناحی و فرازمانی در این عرصه خواهد شد و تاثیر عوامل بیرونی را بر روند علمی این حوزه کاهش خواهد داد.

۳. بیشتر توجه و فعالیت در عرصه عدالت‌پژوهی مربوط به سال ۱۳۸۵ است. با این وضعیت می‌توان حدس زد که عمده‌ترین عامل توجه و تمرکز بر روی موضوع عدالت در این سال شعارها و خواست‌های عدالت‌طلبانه حوزه سیاست و مسئولان آن است. البته در نمودار بعدی نوع تلاش‌های صورت گرفته در این سال مشخص شده است که می‌تواند نکات جدیدی را در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد.

کلیه فعالیتهای علمی حوزه عدالت به تفکیک منابع طی سالهای 1370-1389

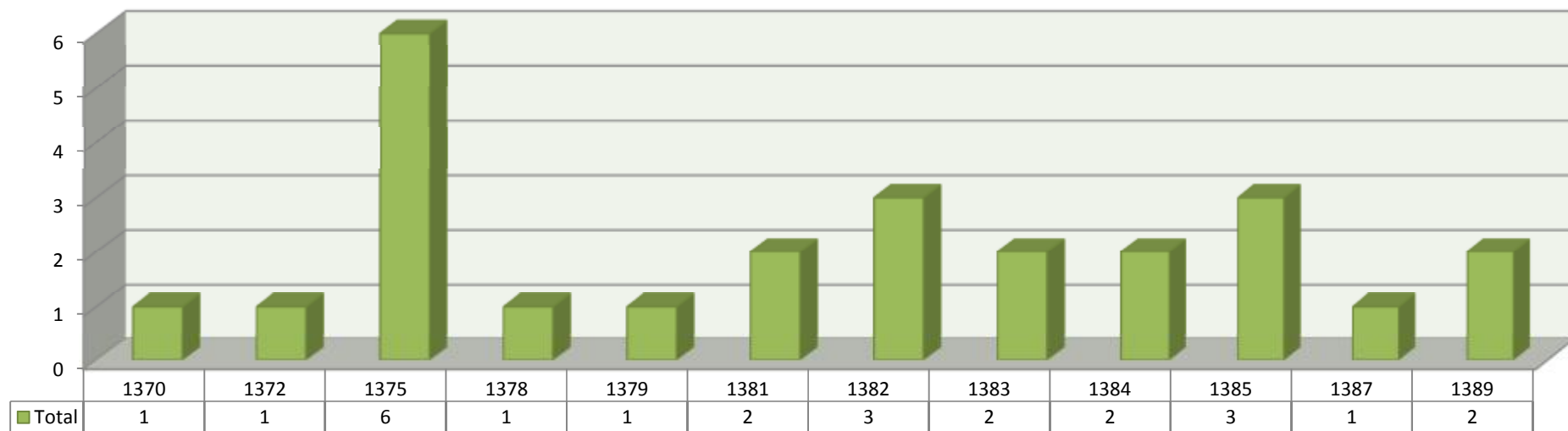


بررسی روند کلی فعالیت‌های علمی انجام شده در حوزه عدالت می‌تواند اطلاعات و نکات بدیعی را در اختیار تصمیم‌گیران و پژوهشگران این حوزه قرار دهد تا ضمن بازبینی فعالیت‌های صورت گرفته روند موجود اصلاح و حرکتی پرشتاب‌تر در این عرصه تحقق یابد. نمودار فوق سعی نموده است علاوه بر نگاهی روندی به تلاش‌های صورت گرفته در حوزه عدالت نوع آن‌ها را نیز مشخص نماید. اولین نکته‌ای که می‌تواند مورد توجه باشد مقایسه وضعیت نشر کتاب و مقالات علمی پژوهشی در سال‌های مختلف است. چرا که نزدیک به ۱۳ سال میزان تولید کتاب در حوزه عدالت از میزان تولید مقالات علمی پژوهشی بیشتر بوده است. این در حالی است که بطور معمول کتبی که دارای محتوایی غنی و عمیق هستند از بسط مقالاتی مشابه خود شکل می‌گیرند. این در حالی است که در اکثر سال‌های مورد اشاره میزان کتب از تعداد مقالات بیشتر بوده است. بنابراین در یک تحلیل مبتنی بر پیش‌فرض می‌توان نتیجه گرفت که اکثر کتب منتشر شده از غنا و عمق لازم برخوردار نبوده‌اند.

دومین بحث مربوط به جهشی است که در سال‌های ۱۳۸۴ به بعد در حوزه فعالیت‌های عدالت مشاهده می‌شود. این جهش به وضوح در نمودارهای قبلی نشان داده شده است. اما در نمودار فوق می‌توان نوع، میزان و علت آن را نیز رصد و ارزیابی نمود. بدین معنی که با بررسی نوع فعالیت‌های صورت گرفته در سال‌های ۱۳۸۴ به بعد باید عمده تمرکز بر روی موضوع عدالت از طرف جامعه سیاسی و به بیان دیگر نگرش‌های سطحی و اولیه به موضوع بوده است. این تحلیل نافی تلاش‌های صورت گرفته نبوده و نیست بلکه متذکر این نکته است که وضعیت فوق بیانگر چند نکته است:

- ۱- عدم تمایل نخبگان علمی کشور (در قالب ارائه مقالات علمی پژوهشی) به مساله عدالت علیرغم جو عمومی کشور و بیان شعارهای عدالت‌خواهانه؛
- ۲- توجه بخش عمده‌ای از فضای سیاسی کشور به موضوع عدالت و نتایج آن که متأثر از شعارها و خواست‌های عدالت‌خواهانه بوده است؛
- ۳- فقدان و خلأ تولید محتوای متقن و مستدل به عنوان مبانی تئوریک دولت؛
- ۴- عدم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب نهادهای مرتبط برای جهت‌دهی مناسب جامعه علمی به سمت عرصه عدالت‌پژوهی: بطور یقینی حرکت علمی در عرصه‌های مختلف از جمله عدالت‌پژوهی نیازمند بررسی‌ها، ارزیابی‌ها و به تبع آن سیاست‌گذاری‌های خاص خود است. این برنامه‌ریزی کلان در شکل خود

روند زمانی فعالیتها در حوزه «فلسفه عدالت» طی سالهای 1370-1389



نشان‌گر هدف و تمایل مجموعه‌ی کشور برای دستیابی به مقاصدی خاص است. از این رو در صورت وجود چنین سیاست‌هایی اثرات آن‌ها به وضوح در نحوه و روند فعالیت‌های صورت گرفته قابل رصد و شناسایی است. این‌که نمودار مجموعه تلاش‌های صورت گرفته در حوزه عدالت روند خاص و قابل توجهی (فارغ از شکل صعودی نسبی آن) را در بخش‌های مختلف نشان نمی‌دهد نشانه‌ای متقن برای فهم این نکته است که هنوز عرصه‌های علوم انسانی به شدت از ضعف برنامه‌ریزی و به معنای دقیق‌تر آن سیاست‌گذاری دقیق و منطبق بر اهداف رنج برده تلاش چشمگیری نیز برای اصلاح این وضعیت و روند صورت نگرفته است.

مقدمه:

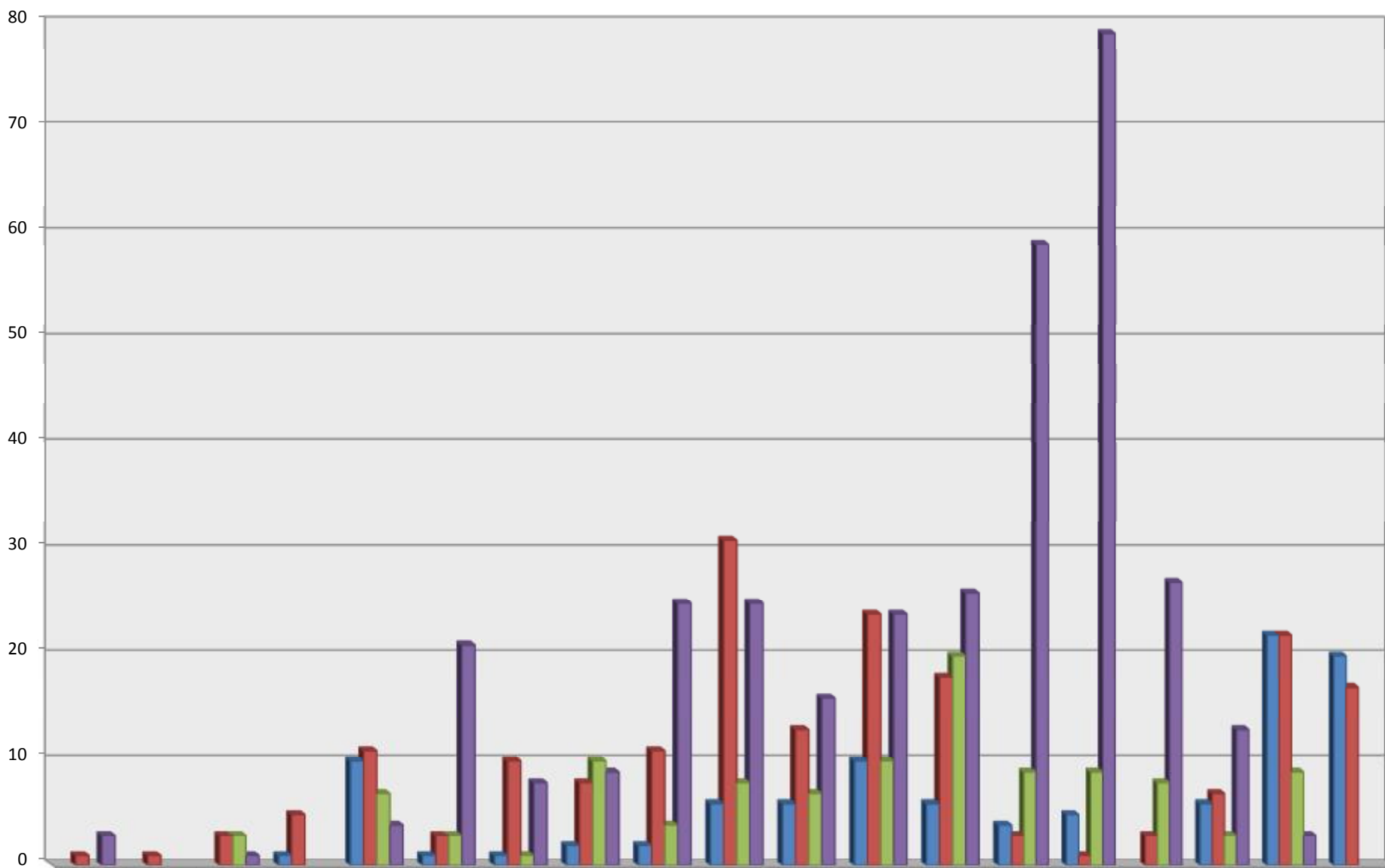
مبانی فلسفی در هر حوزه‌ای از مفاهیم و علوم مختلف بیانگر میزان اتقان علمی (نه به معنای Science آن) و عقلی آن است. بطور کلی نحوه و معبر اصلی دخالت ایدئولوژی‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف علمی و تئوریک از ناحیه مبانی فلسفی است. این مبانی اگرچه سابقه‌ای طولانی در اندیشه اسلامی دارد و گنجینه‌های ارزشمندی را با خود به همراه آورده است اما بطور خاص در حوزه‌های تخصصی و جزئی وارد نشده و نتوانسته است تبلور خود در عرصه‌های گوناگون را

نمایش دهد. یکی از مهم‌ترین این عرصه‌ها «عدالت» است. عرصه و مفهومی که با وجود گذشته عمیق و سابقه کهن خود هنوز اذهان بسیاری از فیلسوفان و اندیشمندان را به خود مشغول نموده است.

تحلیل:

منظور از مبانی فلسفی در عرصه عدالت توجه به مبادی اصلی چون هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، دین‌شناسی و مباحثی چون فلسفه اخلاق است. این مبانی علی‌رغم اهمیت و جایگاه ویژه خود بسیار مورد غفلت قرار گرفته‌اند و تا کنون تلاش‌هایی جدی و پیگیر در این عرصه را شاهد نبوده‌ایم. موبد این حرف را می‌توان در میزان توجه و فعالیت‌های علمی‌ای دانست که تا کنون در این بخش انجام گرفته است. عدد ۶ در این نمودار بیانگر تعداد فعالیت نیست بلکه نشان‌گر فراوانی تلاش‌های صورت گرفته است. به معنای بهتر این عدد بیانگر یک یا دو فعالیت است که توانسته‌اند بخش زیادی از سرشاخه‌های طبقه‌بندی منظور عدالت را پوشش دهند. بنابراین باید با تاسف گفت که علی‌رغم وجود دانش غنی فلسفه و فیلسوفان دانشمند در کشور هنوز این عرصه مورد غفلت شدید واقع شده است. از منظر دیگر این مباحث را می‌توان جزو نقاط مطلوب عرصه عدالت‌پژوهی کشور دانست که باید با برنامه‌ریزی دقیق از یک سو و شناسایی موضوعات، افراد و موسسات توانمند در این حوزه از سوی دیگر شتابی قابل قبول به آن بخشید.

فعالیت‌های حوزه «چستی عدالت» به تفکیک منابع طی سالهای 1370-1389



	1370	1371	1373	1374	1375	1376	1377	1378	1379	1380	1381	1382	1383	1384	1385	1386	1387	1388	1389
پایان نامه				1	10	1	1	2	2	6	6	10	6	4	5		6	22	20
کتاب	1	1	3	5	11	3	10	8	11	31	13	24	18	3	1	3	7	22	17
مقاله علمی پژوهشی			3		7	3	1	10	4	8	7	10	20	9	9	8	3	9	
مقاله عمومی	3		1		4	21	8	9	25	25	16	24	26	59	79	27	13	3	

مقدمه:

یکی از موضوعات بسیار مهم و چالش برانگیز در حوزه عدالت، تعاریف مختلفی است که از این مفهوم بیان شده است. اگرچه احصاء همه این تعاریف کار دشواری است اما می‌توان بطور نسبی به ۲۰ تعریف اصلی از عدالت در این حوزه اشاره نمود. این تعاریف شامل عناصر و مختصات گوناگونی بوده و طیفی وسیع را به خود اختصاص می‌دهند. تعاریفی چون اعطای حق، توزان، تساوی، قراردادگرایی، مالکیت و رویکرد زمینه‌ای بیشتر مورد توجه محققان این حوزه قرار گرفته‌اند. با وجود سرمایه عظیم فکری و انسانی کشور هنوز این حوزه آن چنان که باید و شاید مطمح نظر قرار نگرفته و خلأ فعالیت‌های ابداعی و اسلامی هنوز احساس می‌شود. بررسی اجمالی و تفصیلی رویکرد اسلامی این نکته را به ما نشان می‌دهد که لزوم نگاه زمینه‌محور و مبتنی بر شرایط و اقتضائات می‌تواند محوری برای اجماع اندیشمندان این حوزه قرار گیرد. اقتضائاتی که در ضمن ملاحظه شرایط خاص اجرا و تحقق عدالت به حقیقت نفس‌الامری عدالت معتقد و ملتزم بوده و آن را در همه مکان‌ها لحاظ می‌نماید.

تحلیل:

از این رو و با ملاحظه نمودار فوق می‌توان نتایجی را استنباط و استخراج نمود:

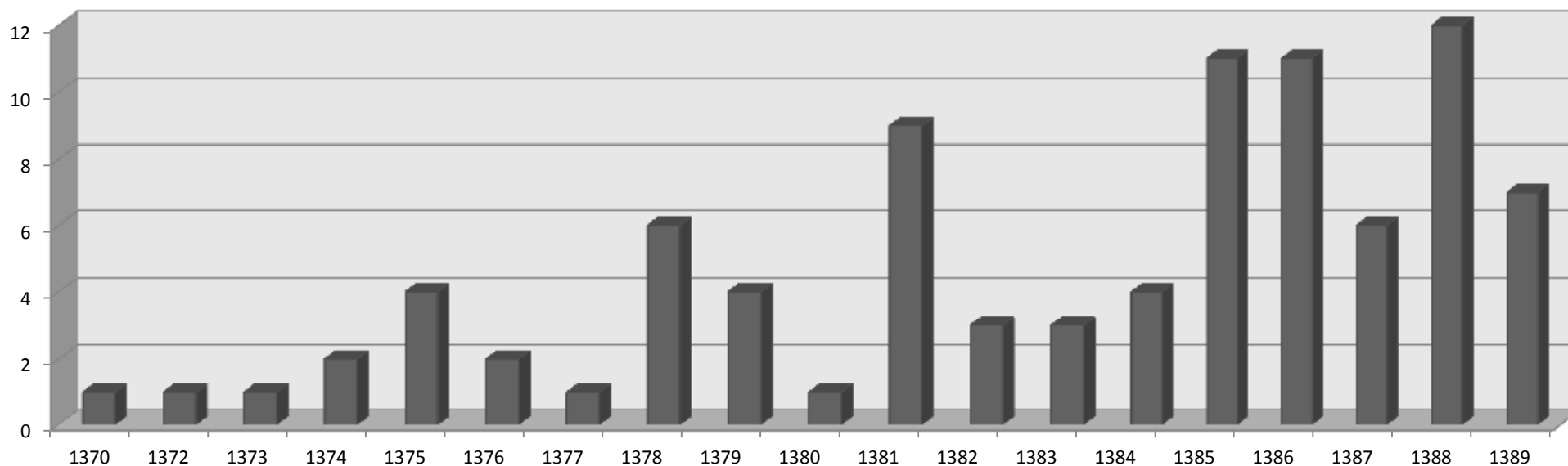
۱- بطور کلی روند فعالیت‌های علمی حوزه تعاریف عدالت از روندی نسبتاً صعودی برخوردار بوده و همیشه (البته با کمی خطا) حرکتی پیش‌رونده داشته است. البته همان‌گونه که در روند کلی فعالیت‌های حوزه عدالت مشاهده و بیان شده بود حرکت در بخش تعاریف در چند مقطع (سالهای ۸۵، ۸۰ و ۸۸ به بعد) با افت قابل توجهی مواجه بوده‌اند که آن را می‌توان ناشی از فضا سیاسی کشور در سال‌های مذکور به حساب آورد. البته علاوه بر توجه این مساله باید متذکر شد که وقوع این پدیده (بخصوص کاهش فعالیت‌ها در سالهای ۸۵ و ۸۶ که اوج شعارها و حرکت‌های عدالت‌خواهانه و نیاز شدید کشور به این حوزه است) نشانگر خلأ برنامه‌ریزی دقیق و حرکت خودجوش و دلخواه محققین این حوزه بوده است.

۲- طی سال‌های ۸۷-۱۳۸۲ که مباحث عدالت به یکی از موضوعات مهم و در راس مباحث سیاسی و اجتماعی بدل شده است تنها شاهد افزایش تعداد مقالات عمومی به حوزه تعاریف هستیم. این امر در حالی است که بحث تعاریف اگرچه دارای سطوح مختلفی است اما می‌بایست شاهد رشد آن در مقالات علمی پژوهشی یا پایان‌نامه‌ها باشیم تا مباحث عمیق‌تر، تخصصی‌تر و پخته‌تر مطرح شوند. البته لازم به تذکر است رشد مقالات علمی پژوهشی در سال ۱۳۸۳ یا رشد پایان‌نامه‌ها در سال‌های پس از ۸۷ نیز همان‌طور که در ادامه تبیین خواهد شد به‌خاطر توجه و تمرکز نخبگان علمی و سیاسی به تعریف رالز از عدالت (قراردادگرایی) بوده است و رشد کلی در حوزه تعاریف را نشان نمی‌دهد.

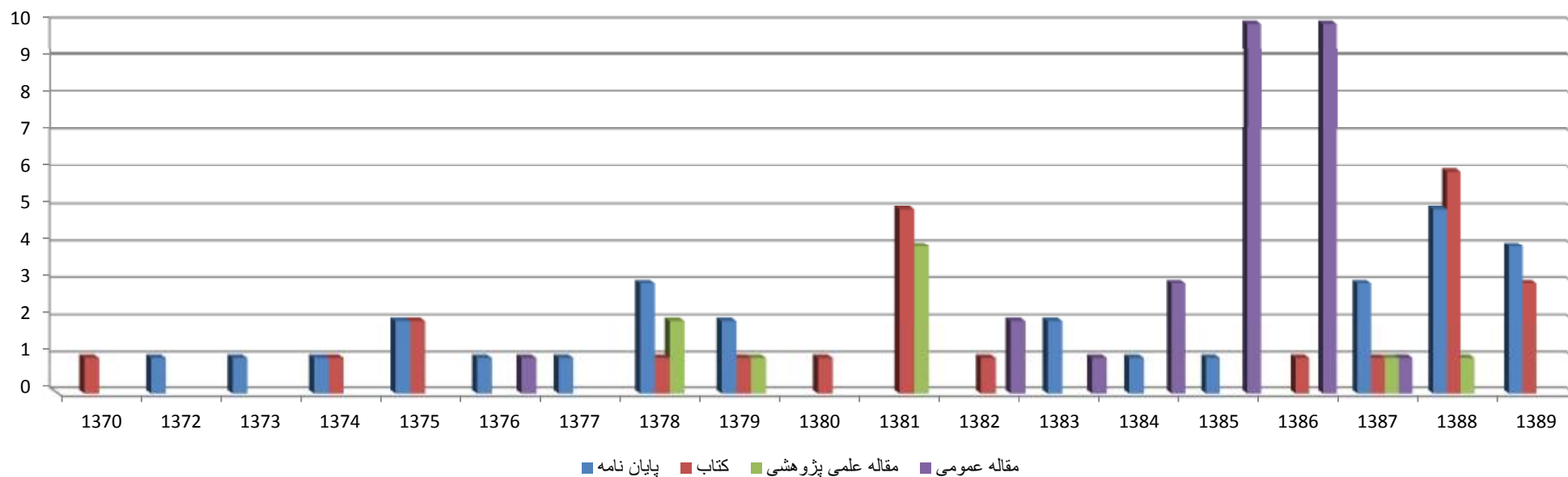
۳- بطور معمول همیشه پایان‌نامه‌های این حوزه کمترین میزان را در بین منابع به خود اختصاص داده‌اند. این امر شاید به خاطر عدم اهتمام و دغدغه دانشجویان یا اساتید حول این موضوع باشد. ابزارهای سیاست‌گذاری علمی و آموزشی می‌توانند در تقویت این بخش بسیار ارهگشا باشند. البته مقایسه نمودار فوق با آخرین نمودار این مجموعه (نمودار فعالیت‌های اسلامی حوزه عدالت) نشان‌دهنده این نکته است که پایان‌نامه‌های دانشجویی بیشتر بر روی دیدگاه متفکران اسلامی در مورد تعاریف کار شده است که این امر علاوه بر نشان‌دادن وجود مجموعه‌ای غنی از نگرش‌های اندیشمندان مختلف اسلامی، مبین ضرورت هدایت هدفمند در این حوزه است تا پس از عبور از این مرحله بتوان تعاریف را نقد، اصلاح و کاربردی نمود.

۴- نسبت افزایش فعالیت‌های این حوزه در بخش عمومی طی سال‌های ۸۷-۱۳۸۴ می‌تواند بیانگر این نشانه باشد که مباحث مطرح شده در فضای سیاسی جامعه چندان مورد توجه نخبگان قرار نگرفته و اساتید اهتمام جدی به این حوزه نشان نداده‌اند و سیاست‌های خاصی برای افزایش کیفی سطح مقالات این حوزه (علیرغم شعار دولت در عدالت محوری و لزوم تبیین و ارائه تعاریف اسلامی از عدالت) مشاهده نمی‌شود.

روند فعالیتها در حوزه «چرای عدالت» طی سالهای 1370- 1389



فعالیتها در حوزه «چرای عدالت» به تفکیک منابع طی سالهای 1370- 1389



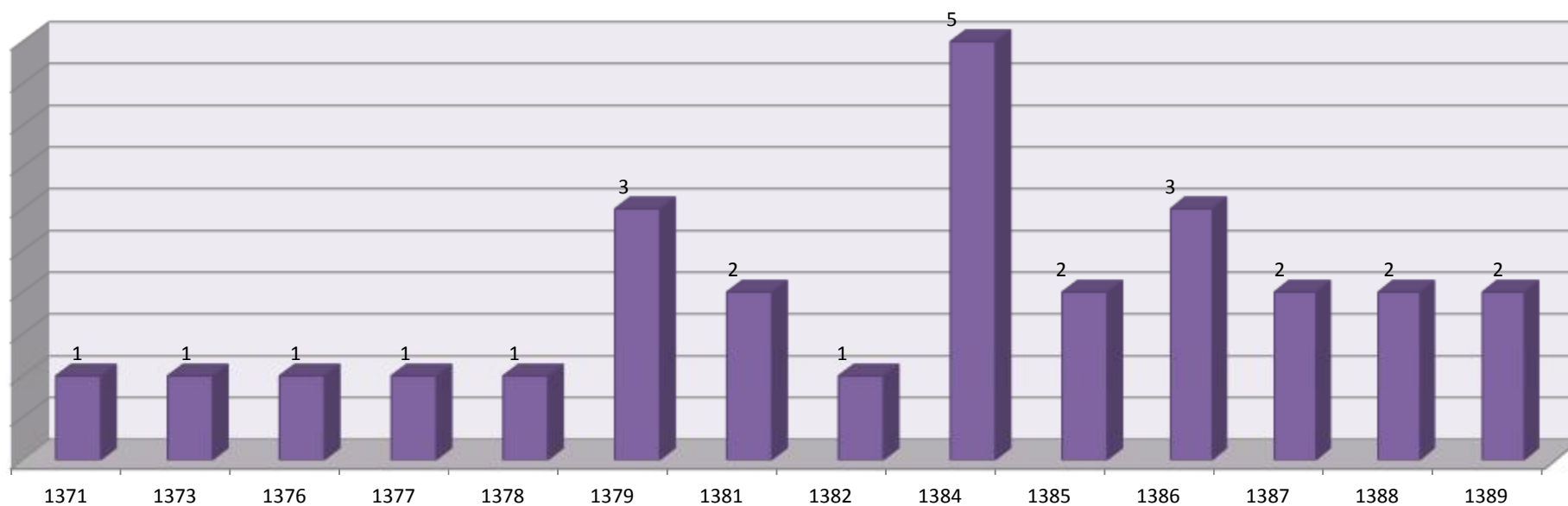
مقدمه:

پرسش از چرایی عدالت قدمتی به اندازه تشکیل جوامع بشری دارد. اگرچه ضرورت و تحقق عدالت تا حد زیادی وجدانی بشر بوده و هست اما بررسی مبانی فلسفی و اثرات ناشی از فقدان عدالت همواره از جمله موضوعات چالشی متفکران مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف بوده است. از این رو نگرش اسلامی و بومی به این موضوع بی‌شک از جمله نیازهای اولیه و ب کشور در عرصه‌ی کنونی است.

تحلیل:

بررسی و پرداختن به موضوع چرایی عدالت اگرچه دیر اما دارای روند خوبی بوده است. آنچه که شاید در این نمودار بیشتر مورد توجه قرار گرفته باشد افزایش میزان تلاش‌های علمی در این حوزه طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ است. این افزایش بیانگر نیاز و احساس ضرورتی است که متولیان و فضای سیاسی کشور به این بحث نموده‌اند. اما همان‌طور که می‌توان حدس زد عمده فعالیت‌ها در این حوزه در سالهای ۸۶-۱۳۸۴ بیشتر بر روی مقالات عمومی متمرکز شده است. قصد این نیست که مقالات عمومی به‌طور کلی تخطئه و فاقد اعتبار تلقی شوند بلکه منظور این است که هنوز آن‌طور که باید و شاید در طول این چند سال بحث چرایی بطور عمیق و بلیغ مورد توجه قرار نگرفته و در نهادهای علمی به آن پرداخته نشده است. این در حالی است که بررسی چرایی عدالت (چه در سطح خاص و چه در سطح عام آن) جزو اولین قدم‌های حرکت علمی و عملی در حوزه عدالت محسوب می‌شود چون تا مسئولان و خط‌مشی‌گذاران از یک طرف و مردم از طرف دیگر به چرایی عدالت توجه و اهتمام نداشته باشند در آن صورت حرکتی نیز در این زمینه شکل نخواهد گرفت. اگرچه حُسن عدالت و لزوم اقامه آن بطور وجدانی در هرکس قابل شناخت است اما فعالیت‌های آکادمیک می‌توانند دریچه‌های جدیدی بر روی این بحث باز نمایند. این فعالیت‌ها را هم می‌توان در شاخه مباحث فلسفی و در قالب فلسفه اخلاقی دنبال و تولید نمود و هم در شکل عام و مجزای آن به چرایی عدالت فارغ از مبانی فلسفی و اخلاقی آن پرداخت. با نگاهی به نمودار دوم بحث چرایی می‌توان نتیجه گرفت که بحث چرایی از سال ۸۷-۱۳۸۲ مورد توجه جامعه علمی و نخبگان این حوزه قرار نگرفته و بیشتر شاهد مقالات عمومی و تا حدی اولیه و ساده در این زمینه هستیم.

فعالیت‌های علمی حوزه «شاخص‌های عدالت»



مقدمه:

از دیگر موضوعات قابل طرح و بحث شده در حوزه عدالت شاخص‌های عدالت است. اگرچه تعاریف بیانگر مختصات کلی و جایگاه مورد نظر فرد و جامعه از منظر عدالت هستند اما این خواست‌ها با ابزارهایی باید سنجش و مورد ارزیابی دقیق قرار گیرند. همچنین همیشه در فضای سیاسی صحبت از عدالت محوری و عدالت خواهی از طرف طیف‌های گوناگونی شنیده می‌شود و فرد یا گروهی از افراد، گروه‌ها یا حتی دولت‌هایی را با صفت بی‌عدالتی مورد خطاب قرار می‌دهند؛ با

وجود استفاده از شاخص‌های مختلف که بیشتر نیز در حوزه اقتصاد تولید و مورد استفاده قرار می‌گیرند هنوز شاخص‌ها و سنجه‌های دقیق، جامع و ساده در همه حوزه‌ها وجود نداشته و امکان ارزیابی صدق گفتار و نوشتارها در این زمینه برای همه کس نخواهد بود. این مشکل تا به امروز نیز وجود دارد و حوزه‌های دیگری چون سیاست و فرهنگ بیشتر از اقتصاد از این خلأ معرفتی رنج برده و اذهان مردم نیز هر روز مشوش‌تر می‌شود. هنوز هم پس از سال‌ها این سوال در بین عوام و خواص وجود دارد که:

- ویژگی‌ها و شاخص‌های جامعه عدالت محور چیست؟
- آیا جامعه ما به سمت عدالت در حرکت است؟
- مصوبات و اقدامات اجرایی چقدر به عدالت نزدیک هستند و معیار نزدیکی و دوری آن‌ها چیست؟

تحلیل:

به نظر می‌رسد حوزه شاخص‌ها باید یکی از عرصه‌های پیش‌رو در دهه پیشرفت و عدالت باشد تا بتوان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن جهت‌گیری و تصمیماتی مناسب را اتخاذ نمود. پرداختن به بحث شاخص‌ها راه اصلی اجرا و ارزیابی عدالت در عرصه اجتماعی است. نمودار فوق بیانگر چند نکته است:

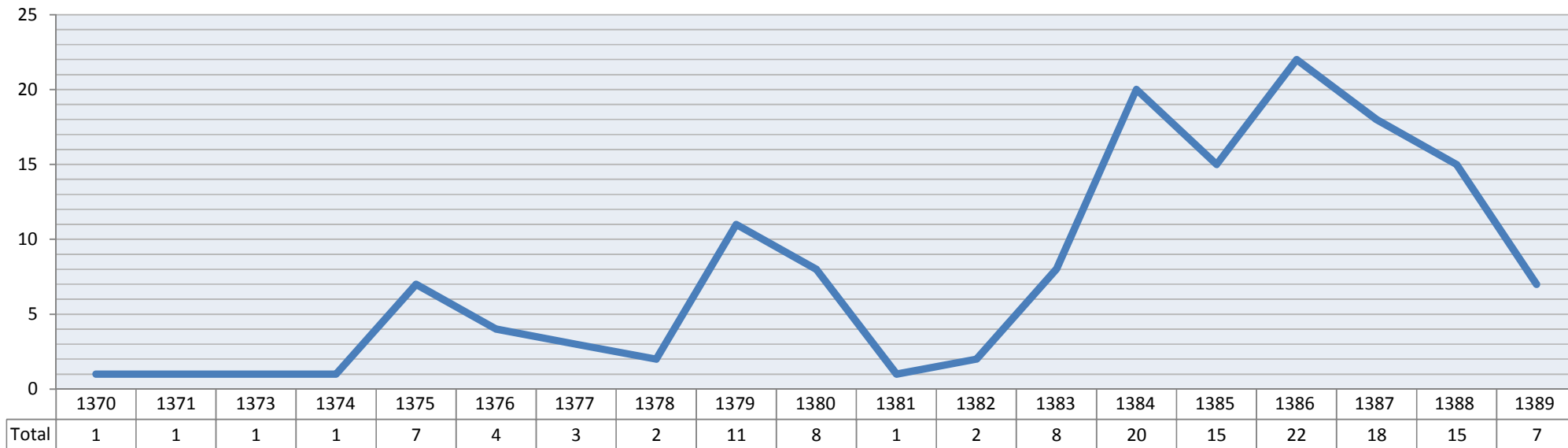
- ۱- هنوز فعالیت خاص و چشمگیری در حوزه شاخص‌ها صورت نگرفته است.
- ۲- آنقدر این بحث مورد غفلت و کم‌کاری بوده است که فردی با اندک فعالیتی (بیش از ۵ مطلب) می‌تواند مرجعیت علمی در این بخش برای خود کسب نماید.

۳- شاید این کمی قابل توجه تبیین کننده حاکمیت شاخص‌ها و معیارهای موسسات و مراکز بین‌المللی در بخش‌های مختلف کشور است که حتی عرصه‌ی عدالت را نیز در بر گرفته و تفسیر خود از آن را به کشورها القا نموده و کشورها نیز ضمن پذیرش آن‌ها احساس نیازی برای فعالیت بومی در این زمینه نکرده و بیشتر دغدغه اول شدن در لیگ توسعه جهانی را داشته‌اند تا توجه به مقتضایات بومی خود!!

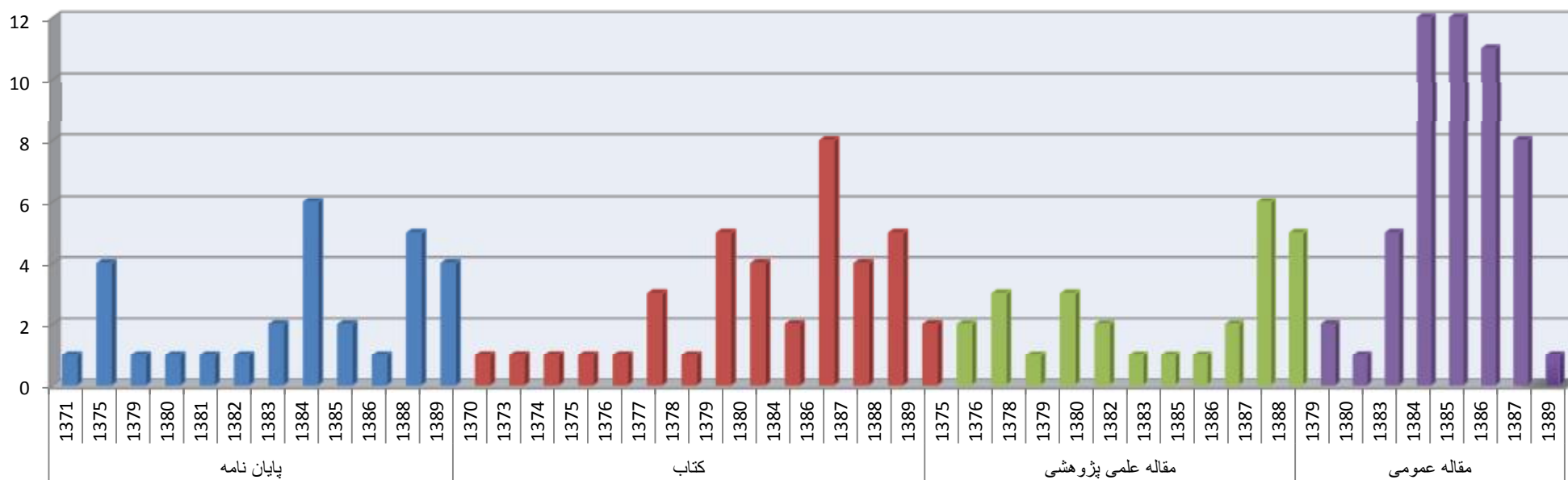
تعداد فعالیتهای حوزه «شاخصه های عدالت»



روند فعاليتها در حوزه «چگونگی تحقق و اقامه عدالت» طی سالهای 1370- 1389



روند فعاليتهاي علمی حوزه «چگونگی تحقق و اقامه عدالت» به تفکیک نوع منابع



مقدمه:

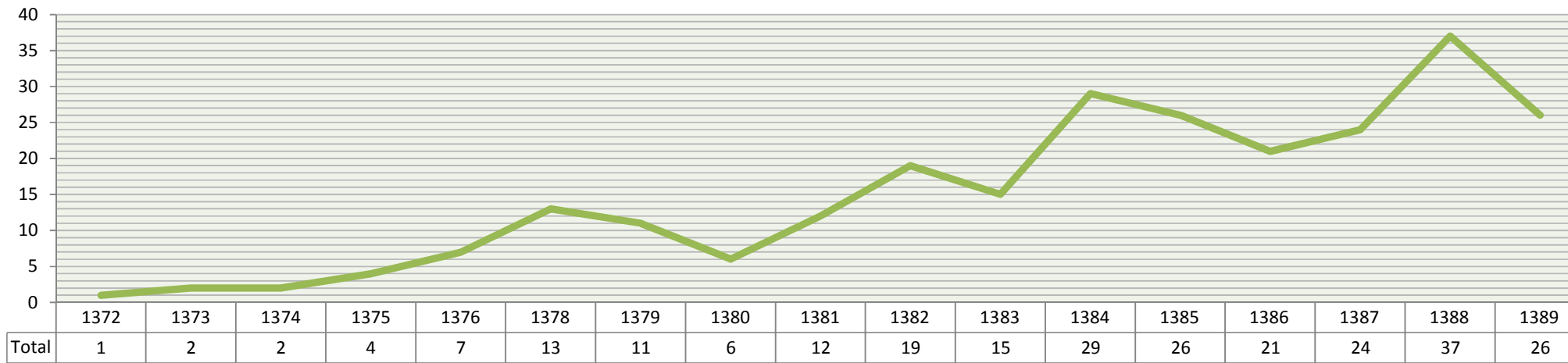
چگونگی تحقق و اقامه عدالت در سطح اجتماع از جمله مهم‌ترین مسائل و سوالات پیش‌روی مسئولان طی سال‌های متمادی بوده و هست. در واقع مرحله و حلقه تکمیل‌کننده حرکت به سمت جامعه پیشرفته و عدالت محور توجه به ابعاد و ویژگی‌های مورد نظر برای تحقق ارزش عدالت است.

تحلیل:

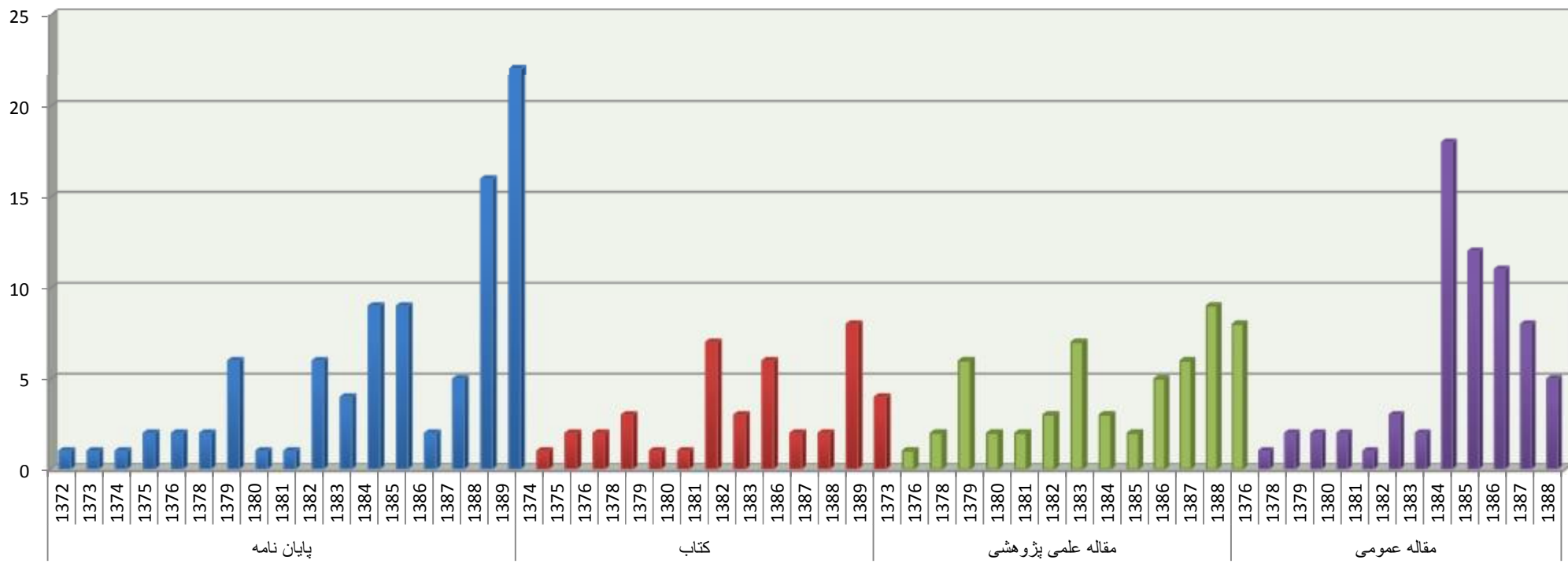
این حوزه اگرچه طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ چندان مورد توجه نبوده است اما با حرکت بیشتر کشور به سمت پیشرفت از یک طرف و نام‌گذاری مختلف سال‌ها از طرف دیگر باعث عطف توجه محققان به مختصات این موضوع شده است. هرچند که هنوز میزان فعالیت‌های علمی پژوهشی در این حوزه اندک بوده و بیشتر در قالب مقالات عمومی و کتاب به آن پرداخته شده است. نمودار فوق تنها روند کلی و اجمالی از سایر سرفصل‌های ذکر شده در این حوزه را ارائه می‌نماید. طبیعی است که برای تحلیل دقیق و عمیق‌تر در این موضوع باید سایر بخش‌ها بطور مجزا مورد بررسی قرار گیرند. این امر در ادامه به اختصار و در قالب نمودارهایی انجام گرفته است.

اما بطور کلی باید گفت روند صعودی این بحث نشان از دغدغه‌مندی جامعه علمی و مسئولان نسبت به این موضوع است. اگرچه که بیشترین تلاش‌ها شامل کتاب و مقالات عمومی است و این امر بیانگر نگاهی ساده و اولیه به موضوع است اما ابزار سیاست‌گذاری برای پیشرفت این حوزه مفهومی می‌تواند فعالیت‌های علمی در این حوزه را ارتقاء بخشیده و ضمن انباشت دانش علمی زمینه را برای کاربردی نمودن و وارد کردن عدالت به صحنه عمل را بیش از پیش فراهم می‌آورد.

روند فعالیتهای انجام شده در حوزه عدالت های موصوف طی سالهای 1370-1389



روند فعالیتهای علمی حوزه عدالت های موصوف به تفکیک نوع منابع



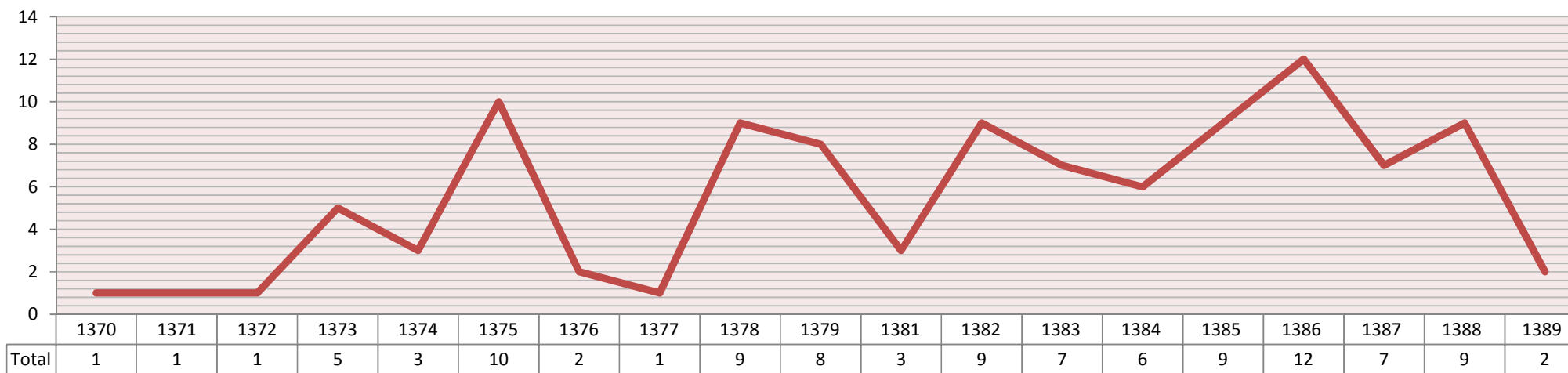
مقدمه:

عدالت‌های موصوف را می‌توان مهم‌ترین بستر جاری شدن نظریات، تعاریف و شاخص‌های عدالت دانست. در واقع نگاه زمینه‌محور و اقتضاء‌نگر از طریق این عدالت‌ها قابلیت تحقق خواهد داشت. بنابراین لزوم توجه جدی به آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دو شاخصه دقت و سرعت را می‌توان از جمله مختصات حرکت علمی کشور در دهه پیشرفت و عدالت نامید. از این رو باید بدنبال شرایطی بود که بتواند آن‌دو را پوشش دهد. عطف نظر به این مجموعه عدالت‌های موصوف ضمن تمهید حرکت تدریجی، ساده و بخشی در حوزه اجرا، امکان مدیریت ابعاد مختلف عدالت اجتماعی و شبکه‌های وابسته به آن را فراهم می‌سازد. مجموعه حرکت و روند صعودی در این بخش نوید دهنده تحقق سریع‌تر این مهم باشد.

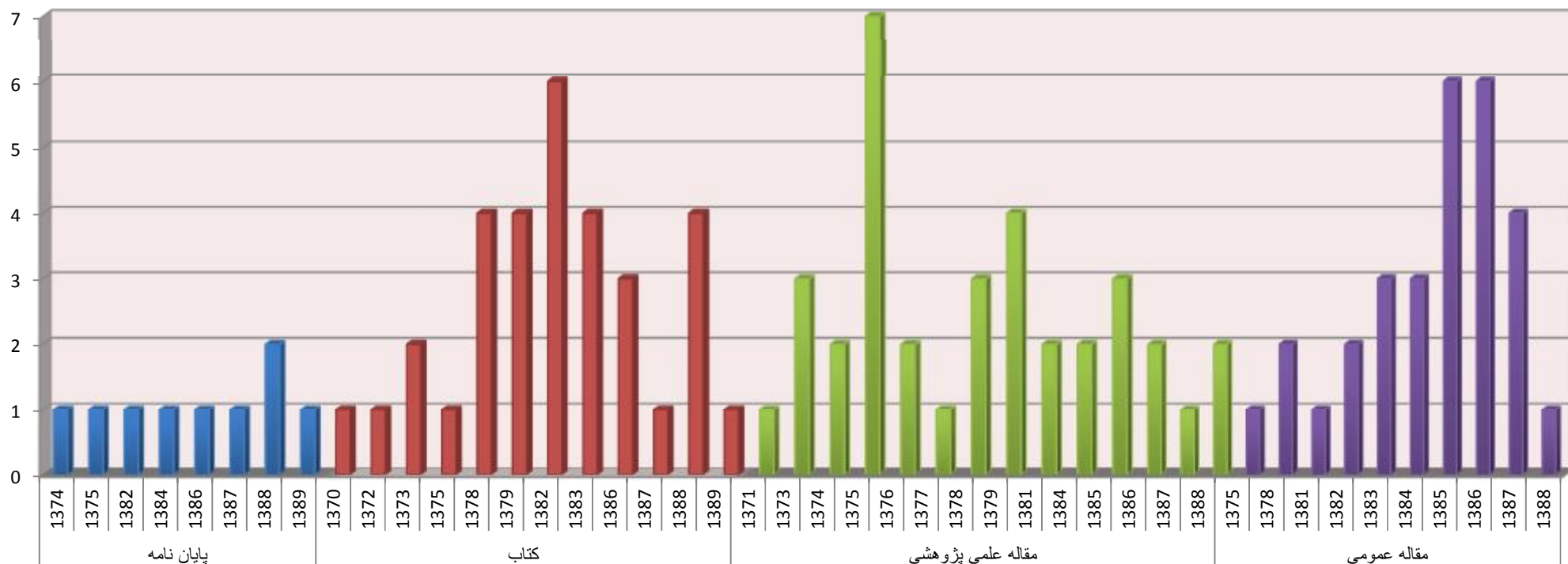
تحلیل:

عمده تلاش‌ها در این حوزه بر دو نوع مقالات عمومی و پایان‌نامه‌ها متمرکز بوده است. این مهم نشان می‌دهد که از یک طرف زمینه و تمایل خوبی در قشر نخبگان و دانشگاهی کشور در این زمینه ایجاد شده است. ضمن اینکه در سال‌های اخیر و با نامگذاری دهه چهارم انقلاب روند روبه رشدی را شاهد بوده است. از طرف دیگر فضای اجتماعی و سیاسی نیز به تبعیت از فضای سیاسی تمرکز خوب و قابل توجهی را بر روی این موضوع گذاشته است. اما نکته قابل توجه کاهش کلی فعالیت‌های علمی پژوهشی در این حوزه علیرغم بهبود تعداد آن‌ها در سال‌های اخیر است. این امر می‌تواند بیانگر عدم اقبال و اولویت جامعه اساتید و علمی کشور به این موضوع و عدم برنامه‌ریزی و هدایت هدفمند مسئولان مربوط در این زمینه باشد. ادامه روند فوق‌اولاً باعث کاهش انباشت دانش تئوریک و عمیق در این عرصه شده و ثانیاً عرصه اجرا را نیز با ابهام و فعالیت‌های بی‌پشتوانه مواجه می‌سازد.

رشد فعالیتهای انجام شده در حوزه سیاستهای ناظر به عدالت طی سالهای 1370-1389



فعالیهای انجام شده در حوزه سیاستهای ناظر به عدالت به تفکیک منابع



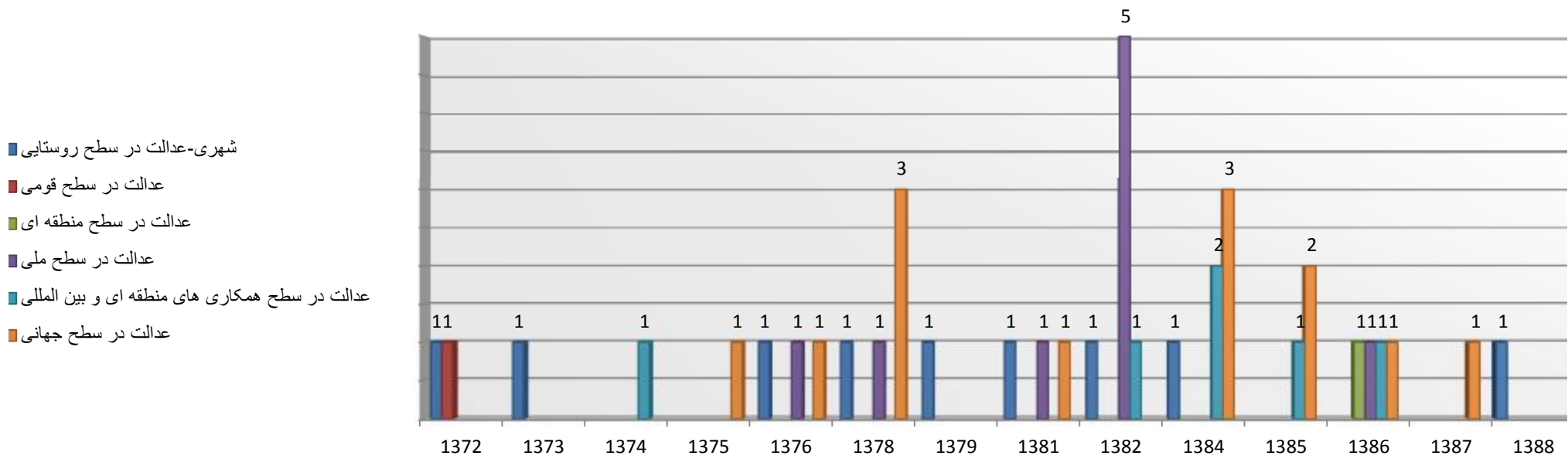
مقدمه:

سیاست‌های هر عرصه‌ی اجتماعی تبلور مبانی تئوریک و نظریه‌های موجود آن حوزه در میدان عمل است. این تجلی از طرفی وابسته به غنای نظریات ارائه شده و از طرف دیگر به برنامه‌ریزی مجریان برای اجرای هرچه بهتر متکی است. این امر در حوزه‌ای مانند عدالت اهمیتی دو چندان یافته و علاوه بر دو عنصر قبل ویژگی‌ها و مختصات خاص خود را نیز طلب می‌نماید.

تحلیل:

عمده سیاست پژوهی عدالت در بین سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ بوده است که معمولا در حوزه کتاب و مقالات عمومی به طرح بحث پرداخته شده است. در این بین وضعیت مقالات علمی پژوهشی کمی متفاوت است و با وجود این که در سالهای ذکر شده تا حدی به مقالات علمی پژوهشی توجه شده است اما اوج کارهای جدی علمی را باید در سال ۱۳۷۵ و نیز سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ جستجو کرد.

نکته قابل ملاحظه این که در مقایسه حجم فعالیت‌های پژوهشی در حوزه سیاسی با حجم فعالیت‌های پژوهشی حوزه مبانی و چیستی عدالت می‌توان فهمید که این سیاست پژوهشی چندان بر محور مبانی استوار نبوده و بدون این که مبانی خوبی ساخته و پرداخته شود به سیاست‌ها توجه شده که نشان از ضعف این سیاست‌هاست.



مقدمه:

حوزه جغرافیایی به معنای پژوهش‌هایی است که گستره جغرافیایی را در تحقیقات خود ملاحظه کرده‌اند. این ملاحظه به دو صورت می‌تواند باشد: جغرافیا به جوهره پژوهش مرتبط است مثل بررسی بی‌عدالتی در میان اقوام مختلف ایرانی که علت را در میان قومیت‌گرایی جستجو می‌کند یا این‌که به منطقه بررسی موضوع می‌پردازد. مورد اول را در عدالت‌های موصوف و مورد دوم را در حوزه جغرافیایی (این نمودار) باید بررسی نمود.

تحلیل:

همان‌گونه که از نمودار بر می‌آید عدالت در سطوح قومی و منطقه‌ای چندان محل بررسی واقع نشده است. این در حالی است که عدالت در سطح جهانی و بین‌المللی تا حد بیشتری محل انجام تحقیقات بوده‌اند. هم‌چنین عدالت در سطح روستایی-شهری نیز در سال‌های مختلف سیر یک‌نواختی داشته و مورد نظر پژوهشگران بوده است.

اما در مجموع باید بیان داشت که عدالت پژوهشی با نگاه به حوزه جغرافیایی علاوه بر اینکه از نظر حجم چندان مورد ملاحظه نیست و علت آن را باید در غفلت پژوهشگران از عنصر مهم «مکان» جستجو کرد اما متناسب با سیر مسائل کشور و عنصر دیگری به نام «زمان» هم نبوده است. برای مثال

مساله جهانی شدن، ورود به بازارهای جهانی و بحث عضویت در سازمان تجارت جهانی که به شدت در سالهای ۱۳۷۶ تا کنون مطرح است دارای پشتوانه علمی با نگاه عدالت محورانه نداشته است و به راحتی می توان بیان داشت که تصمیمات این حوزه به هیچ وجه اثرات خود را در حوزه عدالت و بی عدالتی ملاحظه ننموده اند. و این یعنی با چشم بسته وارد نظام جهانی شدن. درحالی که توقع این بود که با شروع بحث های جهانی شدن، اثرات آن از حیث عدالت در داخل کشور و نیز عرصه جهانی سنجیده می شد.

۲-۳. گزارش سرفصل های فرعی حوزه عدالت پژوهی:

۱- مقایسه دو نوع تعاریف پیرامون عدالت (مکتب مبتنی بر برابری و نیاز، مکتب مبتنی بر استحقاق)

۲- نظریه قرارداد گرایی جان رالز

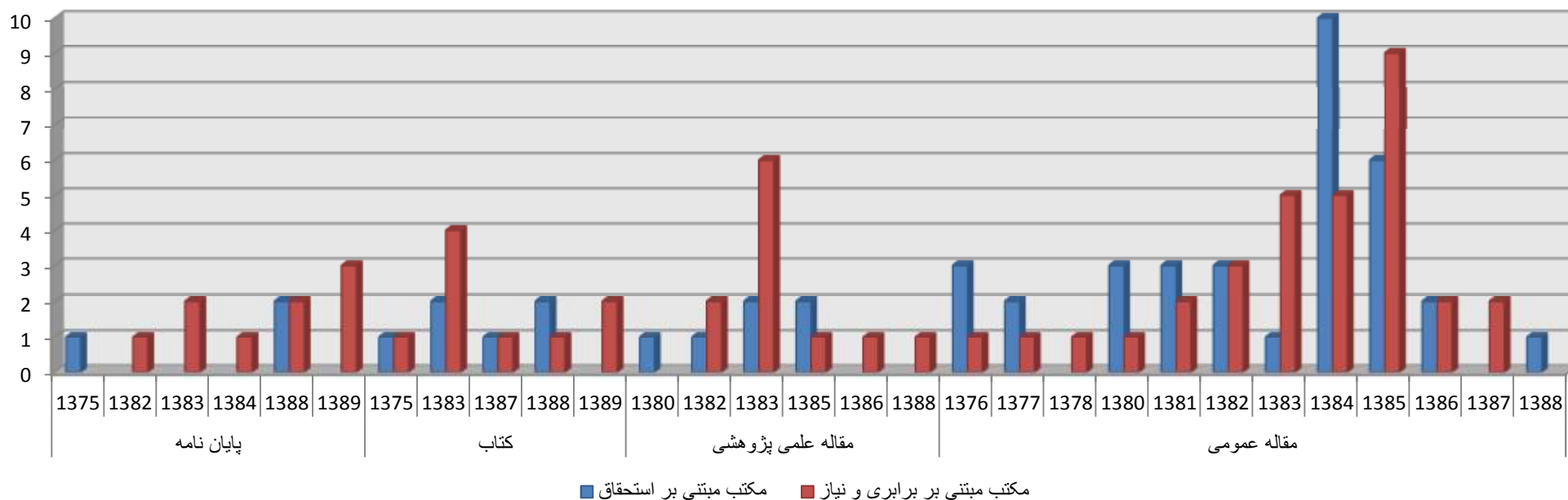
۳- الزامات پیشینی تحقق عدالت

۴- دلالت های نظریه و ابزارهای سیاست گذاری عمومی برای اقامه عدالت

۵- عدالت اقتصادی- مالی

۶- فعالیت های اسلامی انجام شده در حوزه عدالت

مقایسه فعالیت‌های علمی انجام شده پیرامون دو نوع تعریف درباره عدالت به تفکیک منابع

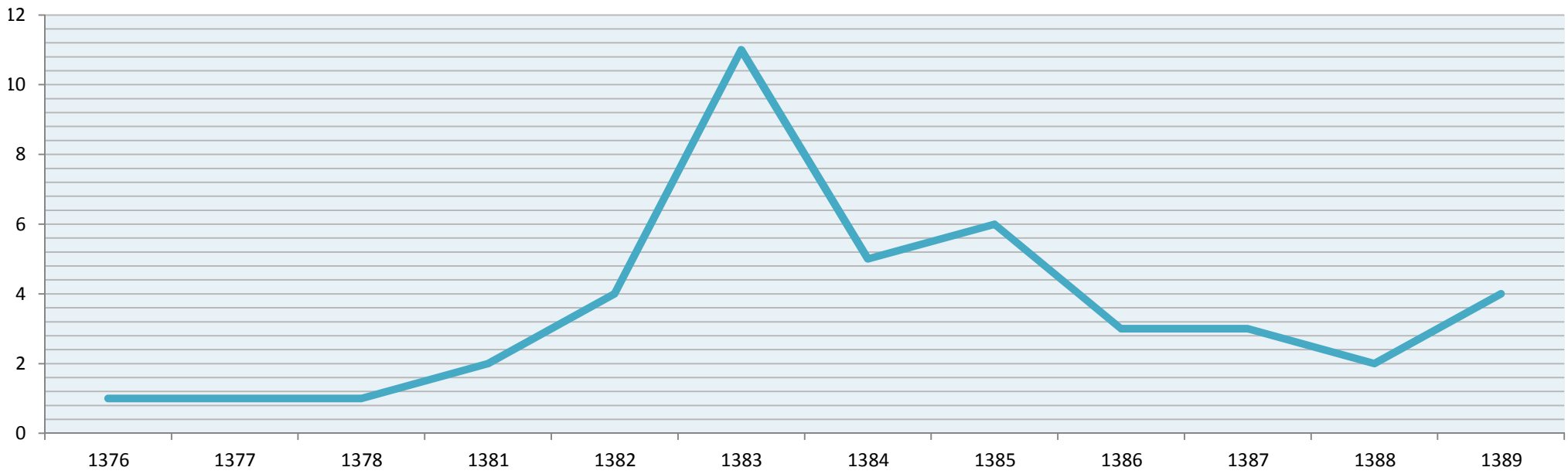


مقدمه:

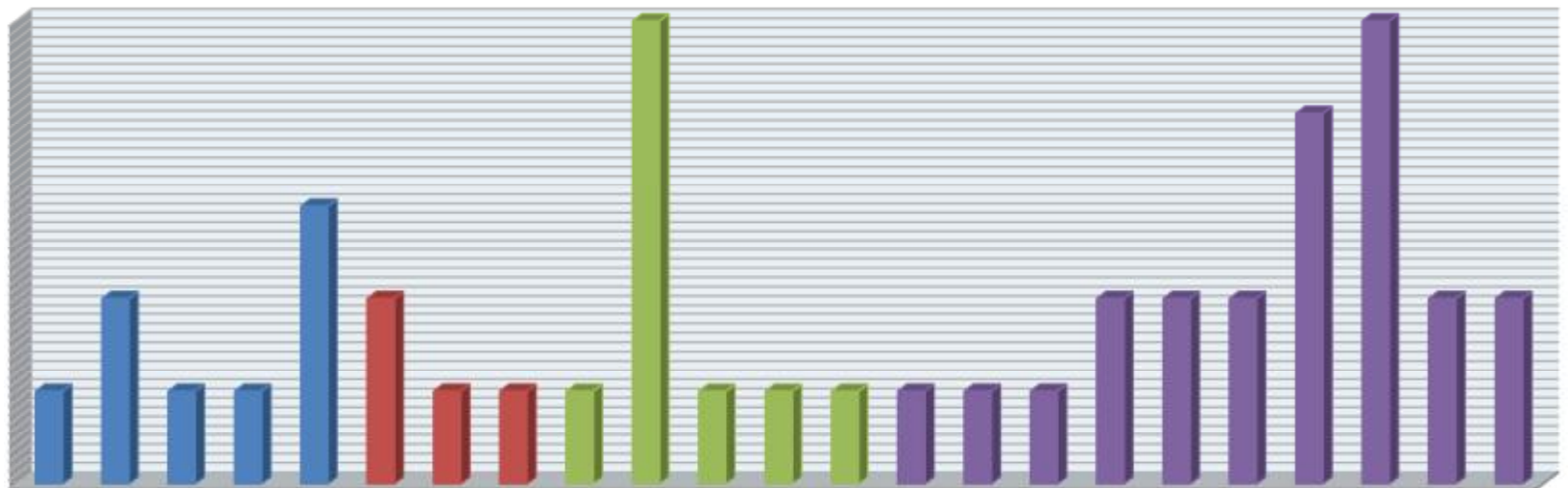
دو حوزه اصلی تعاریف عدالت بر اساس تقسیم بندی کونو «مکتب مبتنی بر استحقاق» و «مکتب مبتنی بر برابری و نیاز» می‌باشد. در مکتب اول تعاریفی چون نظریه انصاف، نظریه استحقاق و تناسب (اعطاء کل حق ذی حقه)، نظریه شایستگی و نظریه نوزیک مطرح شده است. در مکتب دوم نیز نظریاتی چون عدالت به مثابه تساوی طلبی، نظریه قراردادگرایی و مکتب عدالت مارکسیستی مطرح می‌شوند. حجم فعالیت‌های انجام شده در این دو حوزه بیش از دیگر حوزه‌ها و تعریف عدالت بوده است.

تحلیل:

طی سال‌های ۸۴ و ۸۵ این تلاش‌ها روندی صعودی داشته‌اند. البته تمرکز عمده اندیشمندان در حوزه مکتب مبتنی برابری و نیاز بر روی نظریات جان رالز به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه پردازان اندیشه لیبرال در حوزه عدالت بوده است. نکته قابل توجه این است که اصلی‌ترین تعاریف و به بیان بهتر نقطه چالش دیدگاه‌های اسلامی و لیبرالی در همین دو مکتب وجود دارد. البته باید گفت لزوم توجه و پرداختن به نظریات لیبرال یا به معنای وسیع‌تر غیر اسلامی امری لازم بوده و هست اما پس از آنکه وجوه و ابعاد این نظریات تا حد زیادی مورد کنکاش و بررسی قرار گرفت باید مراکز علمی پرداختن و تنقیح مبانی و پیش فرض‌های اسلامی از یک طرف و تعاریف متناسب با هر بخش از حوزه‌های فعالیت کشور را از سوی دیگر به عنوان نقطه کانونی و هدف خود قرار داده و به سمت آن حرکت نمایند. این شناخت و لزوم با استفاده از و بهره‌گیری از رصد وضعیت علمی موجود کشور و شناخت توانمندی اندیشمندان حوزه عدالت میسر خواهد بود.



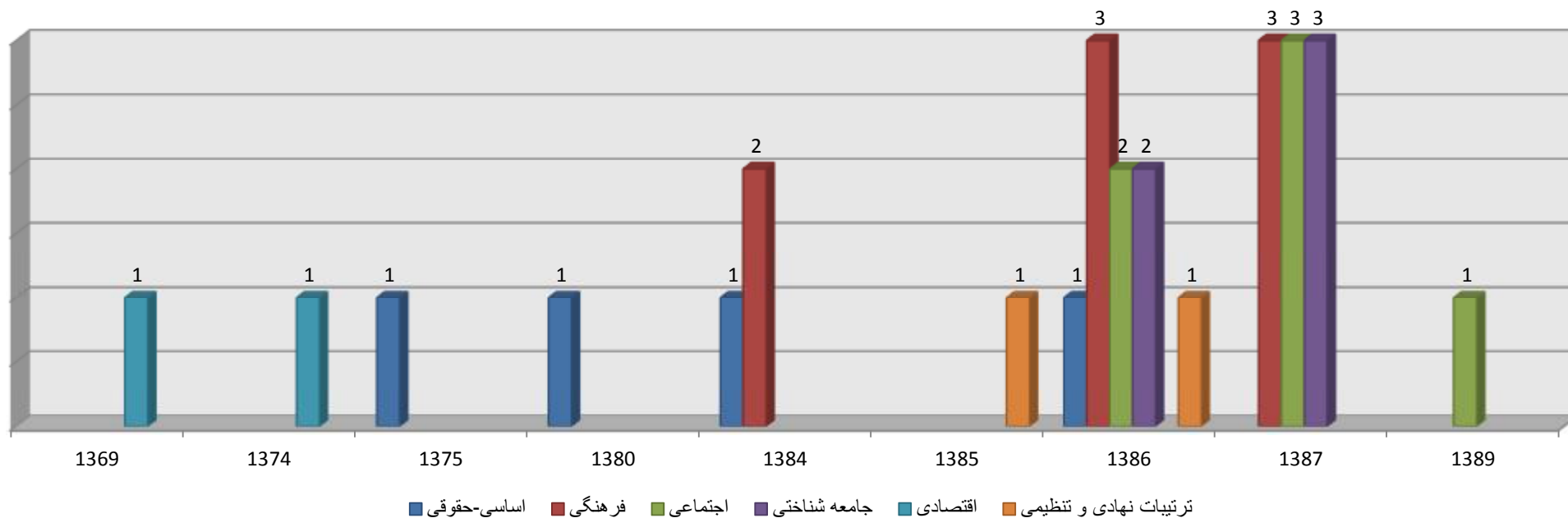
فعالتهای علمی انجام شده پیرامون نظریه قرارداد گرایی جان رالز به تفکیک منابع



	1382	1383	1384	1388	1389	1383	1387	1389	1382	1383	1385	1386	1388	1376	1377	1378	1381	1382	1383	1384	1385	1386	1387
نظریه قراردادگرایی (جان رالز)	1	2	1	1	3	2	1	1	1	5	1	1	1	1	1	1	2	2	2	4	5	2	2

یکی از مهم‌ترین نظریاتی که در عرصه عدالت-در قالب اندیشه لیبرالیزم- مطرح شده است نظریه قرارداد گرایی است که توسط فیلسوف مشهور غربی جان رالز بیان شده است. از زمان ارائه دیدگاه رالز تا کنون نقدها و نوشته‌های فراوانی بر نظرات او در حوزه عدالت ارائه شده است. یکی از علل زیاد بودن فعالیت‌های علمی در حوزه عدالت در ادبیات غربی را می‌توان در همین توجه به نظریات رالز دانست. چرا که اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم (علوم تربیتی، علوم سیاسی، مدیریت دولتی، مدیریت آموزشی، اقتصاد و...) با محور قرار دادن اندیشه‌های رالز به تبیین مفهوم و عناصر عدالت در عرصه مخصوص به خود پرداخته‌اند. فضای علمی کشور نیز همواره و بخصوص در حوزه علوم انسانی بسیار متأثر- و به معنای بهتر مقلد- از فعالیت‌های دانشمندان غربی در حوزه‌های گوناگون بوده و هست. این امر خود را به وضوح در عرصه عدالت نیز به نمایش گذاشته است. اگرچه این تلاش‌ها به ظاهر اندک هستند اما بیانگر توجه و تلاش جدی و هدفمند متفکران و روشنفکران در پرداختن به اندیشه‌های جان رالز است. اگرچه در این مجال فرصت پرداختن و نقد همه جانبه اندیشه‌های جان رالز نیست اما می‌توان ادعا نمود که یکی از نزدیک‌ترین اندیشه‌ها به لیبرالیزم در حوزه عدالت متعلق به اوست. نگرشی که در نهایت و ذات خود توجیه کننده دموکراسی با مفهوم غربی بوده و نتیجه‌ای جز نسبت‌انگاری در ارزش‌ها و عقاید را با خود به همراه ندارد. این اندیشه ضمن مشروعیت بخشیدن به اندیشه‌های سیاسی لیبرال ضامن توسعه نظام‌های بازار محور در سایر عرصه-های اجتماعی نیز هست. البته لازم به ذکر است افزایش تعداد فعالیت‌ها در حوزه اندیشه‌های جان رالز لزوماً به معنای گرایش همه جانبه به اندیشه-های او نیست بلکه برخی نیز به نقد و بررسی نظریه رالز و مبانی فلسفه اندیشه او می‌پردازند. اما نکته‌ای که باید در این جایگاه به آن اشاره کرد این است که بر خلاف جریان حرکت فعلی و افزایش نسبی تلاش‌های علمی پیرامون نظریه رالز (پایان‌نامه‌ها) لازم است سیاست‌گذاران پرداختن به مبانی فلسفی اندیشه اسلامی و نظریات این حوزه را در اولویت قرار دهند تا خلأهای موجود برطرف و سرعت حرکت این عرصه برای تحقق اهداف و آرمان‌ها بیشتر شود.

فعالتهای علمی انجام شده پیرامون موضوع «الزامات پیشینی تحقق عدالت» به تفکیک نوع الزامات



مقدمه:

بمنظور تحقق مفاهیم و برنامه‌ها در هر حوزه‌ای باید مجموعه‌ای از عوامل و عناصر پسینی و پیشینی فراهم گردد. عدم توجه به این دو بخش که در ادبیات مدیریتی به «بسترسازی» از آن یاد می‌شود موجب اجرای ناقص و یا شکست اهداف مورد نظر مجریان خواهد شد. عدالت نیز از این اصل مسلّم مستثنی نبوده و برای بسط و تحقق خویش نیازمند پیش‌زمینه‌های مدیریتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. بررسی هر یک از این ابعاد خود مجالی فراخ می‌طلبد اما بطور اجمالی مجموعه عوامل پیش‌بینی شده برای اقامه عدالت در نمودار فوق نشان داده شده است.

تحلیل:

بر اساس نشانگرهای فوق، بحث الزامات اساساً بطور جدی از سال ۱۳۸۴ به بعد مورد توجه جامعه علمی و مسئولان ذیربط قرار گرفته است. اگرچه که بطور کلی بیشترین فعالیت‌ها در این حوزه از ۳ عدد فراتر نمی‌رود. از این رو شکاف جدی بین این بخش و مباحث اجرایی بیانگر یکی از علل مهم عدم تحقق و تبیین عدالت در حوزه نظر و عمل است. مجموعه روند و تعداد تلاش‌های صورت گرفته در این حوزه از یک سو نمایاننده عدم علاقه و شناخت ضرورت این حوزه و از سوی دیگر فقدان وجود برنامه‌ریزی در آن است.

نکته مهمی که باید در این جا متذکر شد این است که بر طبق نظام طبقه‌بندی طراحی شده، الزامات پیشینی عدالت به هفت دسته حقوقی-اساسی، فرهنگی، اجتماعی، جامعه شناختی، آماری، اقتصادی و ترنیات نهادی و تنظیمی تقسیم می‌شود. همان‌طور که در جدول بالا نیز روشن است اثری از الزامات آماری در حوزه عدالت وجود ندارد. البته عدم وجود را شاید بتوان به عدم انتشار نیز تعبیر نمود اما آن‌چه که واضح است خلأ و ضعف آماری در این حوزه است. این ضعف را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد:

۱- اول این که اساساً آمارهای مورد نیاز برای ارزیابی میزان تحقق عدالت در جامعه از لحاظ تئوریک طراحی نشده‌اند. بدین معنی که هیچ‌گاه محققان و مجریان به دنبال این نبوده‌اند که متناسب با شرایط و اقتضات حوزه‌های مختلف اجرایی در کشور چه آمارهایی باید تولید شوند.

۲- دوم این که دستگاه‌های ذی‌ربط هنوز آمارهای مشخصی در این زمینه تولید یا منتشر نکرده‌اند.

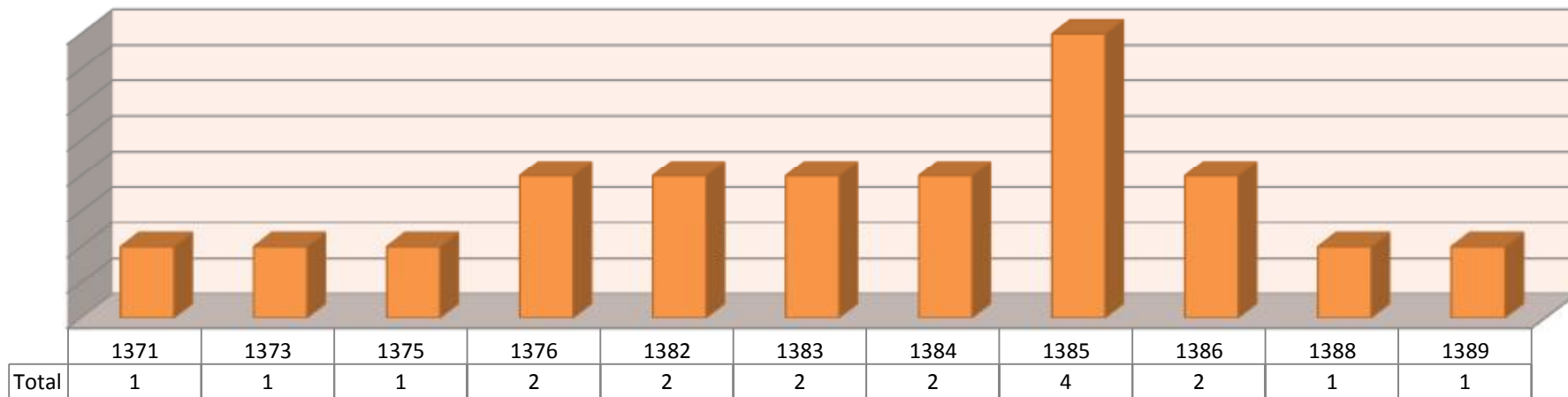
بر این اساس باید گفت یکی از الزامات مهم و مغفول در دهه پیشرفت و عدالت **مباحث آماری** است. البته آمارهایی که مبتنی بر نیاز بومی و مقتضیات مفهومی و عملی عدالت در کشور طراحی و تولید شده باشند. متأسفانه هنوز وقتی صحبت از این مباحث در جوامع علمی و اجرایی می‌شود سریع به آمارها و شاخص‌های بین‌المللی در این حوزه به مثابه راحت‌ترین و کارآمدترین ابزارهای موجود استناد می‌شود در حالی که باید گفت مفهوم عدالت چه از نظر مبانی فلسفی و چه از نگاه اجرا و تحقق آن امری کاملاً متمایز با مباحث غربی و بیرونی است. بنابراین حاکمیت برنامه‌ریزی و نگاه بومی و نیازمحور در این حوزه باید راهبرد اصلی مجریان این بخش قرار گیرد.

به نظر می‌رسد توجه به مباحث و الزامات نهادی حوزه عدالت همزمان با ورود دانش اقتصاد نهادی به ادبیات علمی داخل کشور بوده است. چرا که می‌توان نوعی همزمانی بین توجه محققان حوزه اقتصاد به نهادها و ارزش‌ها و افزایش تلاش‌های این بخش از الزامات پیشینی تحقق عدالت مشاهده نمود.

یکی از قالب‌های مهم تجلی و تحقق عدالت قوانین و مقررات تدوین شده در نهادهای مختلف قانونی یک کشور است. این قوانین می‌توانند با در اختیار گذاشتن چارچوب‌ها و رویه‌های مختلف ضمن توجه و اجبار مجریان به اقامه عدالت زمینه را برای تسهیل فعالیت‌های عدالت‌محورانه فراهم نمایند. این ضرورت و اهمیت نقش، جایگاه و وظیفه دستگاه‌های قانون‌گذاری چون مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص را بیش از پیش نشان می‌دهد. با این وجود در سال‌های اخیر رکود علمی شدیدی در این بخش وجود داشته و موارد اندکی از فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی حول این موضوع شکل گرفته‌اند.

فعالیت‌های علمی انجام شده پیرامون موضوع «دلالت‌های نظریه و ابزارهای سیاست‌گذاری عمومی برای اقامه

«عدالت»



مقدمه:

سیاست‌گذاری در هر حوزه‌ای از جمله وظایف و ابزارهای کلان مسئولان برای تحقق اهداف مورد نظر می‌باشد. شکل و محتوای هر سیاستی در بخش‌های مختلف گوناگون و متفاوت با یکدیگر است. از این رو این بخش باید همواره مدّ نظر سیاست‌گذاران کلان هر حوزه قرار گیرد.

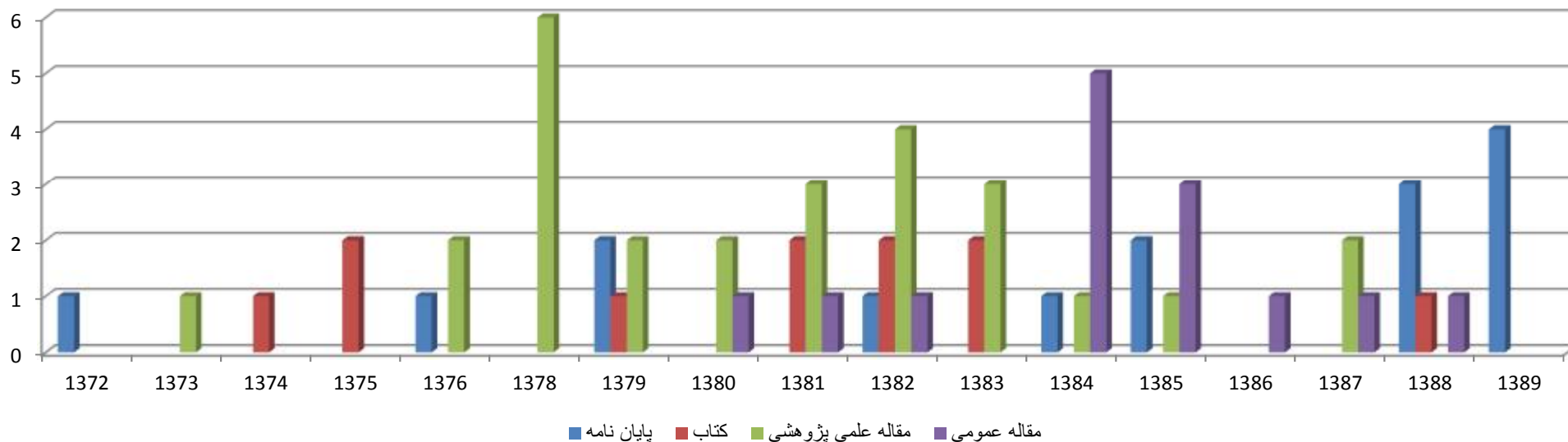
تحلیل:

مجموعه اطلاعات نمایش داده در نمودار فوق می‌تواند مبین نکات زیر باشد:

۱- مجموع فعالیت‌های علمی این حوزه طی سال‌های مورد اشاره همواره از عدد ۴ تجاوز نکرده و با کمترین تلاش در این حوزه می‌توان نوعی مرجعیت علمی را بدست آورد.

۲- افزایش یافتن تعداد فعالیت‌ها در سال ۱۳۸۵ را ناشی از شعارهای دولت جدید در این حوزه است. طبیعی است تحقق شعارها و خواسته‌های عدالت‌طلبانه مستلزم سیاست‌گذاری متناسب با خود است. از این رو تا حدی این بخش مورد توجه اندیشمندان و متولیان امر قرار گرفته است. با

فعالتهای علمی انجام شده پیرامون موضوع عدالت اقتصادی - مالی به تفکیک منابع



این وجود این روند در سالهای بعد نه تنها بیشتر نشده بلکه شاهد نزول نیز بوده است که باید ریشه‌های آن را در موارد دیگری جستجو کرد. اما هنوز هم نسبت این فعالیت‌ها به وضع مطلوب و مورد نیاز بسیار ناچیز است.

مقدمه:

عدالت اقتصادی همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی بوده است. از این رو این امر باعث توجه همه دولت‌ها در زمان تصدی خود شده است. علی‌رغم شباهت و اهمیت این بحث نوع پرداختن و میزان اولویت آن در دولت‌های مختلف متفاوت می‌باشد. عدالت اقتصادی-مالی در این‌جا خود به شاخه‌های مختلفی چون عدالت بخش کشاورزی، عدالت بخش صنعت، عدالت بخش تعاونی، عدالت بخش مسکن و... تقسیم می‌شود اما قصد نمودار فوق تحلیل روند و نوع مجموعه تلاش‌ها در این حوزه بوده است.

تحلیل:

۱- در مجموع و به نسبت نوع توجه به موضوع اقتصاد و اولویت این بخش در بین سایر ابعاد اجتماعی فعالیت‌های چشمگیری انجام نشده و این موضوع هنوز به طور جدی مطمح نظر محققان و مجریان قرار نگرفته است.

۲- نوع فعالیت‌ها نیز بیانگر کاهش مقالات علمی پژوهشی و افزایش مقالات علمی در این حوزه بوده است. طبعاً این امر از عمق، دقت و ظرافت این مباحث کاسته و نگرشی اولیه و سطحی را رقم خواهد زد. از سوی دیگر در این حوزه نیز با وجود فضای سیاسی کشور در سال‌های گذشته و حاکمیت نگاه‌های عدالت‌طلبانه، جامعه علمی کشور آن‌چنان که باید توجه جدی به این حوزه مبذول نداشته و بیشتر به مباحث علمی اولیه بسنده کرده است. البته روند صعودی پایان‌نامه‌های دانشجویی و دکتری طی سال‌های اخیر در این حوزه نشان‌گر توجه نسل جدید به شعارها، خواست‌ها و مطالبات رهبری و مسئولان برای دهه چهارم انقلاب اسلامی علی‌رغم وجود فضای سیاسی شدید و فتنه‌آلود در دو سال اخیر است.

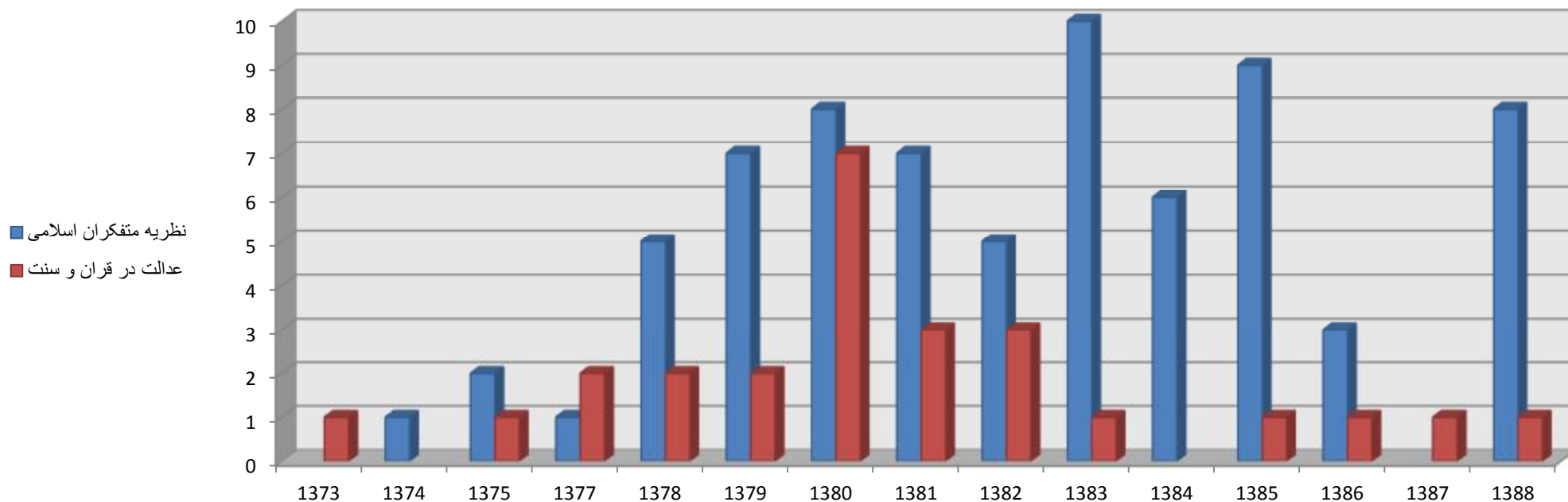
۳- افزایش نسبی تعداد مقالات علمی پژوهشی در این حوزه نسبت به سایر فعالیت‌ها را می‌توان ناشی از چند عامل دانست:

§ تعداد زیاد مجلات حوزه اقتصاد و مخصوصاً اقتصاد اسلامی که باعث رونق مباحث عدالت اقتصادی در فضای علمی این رشته شده است.

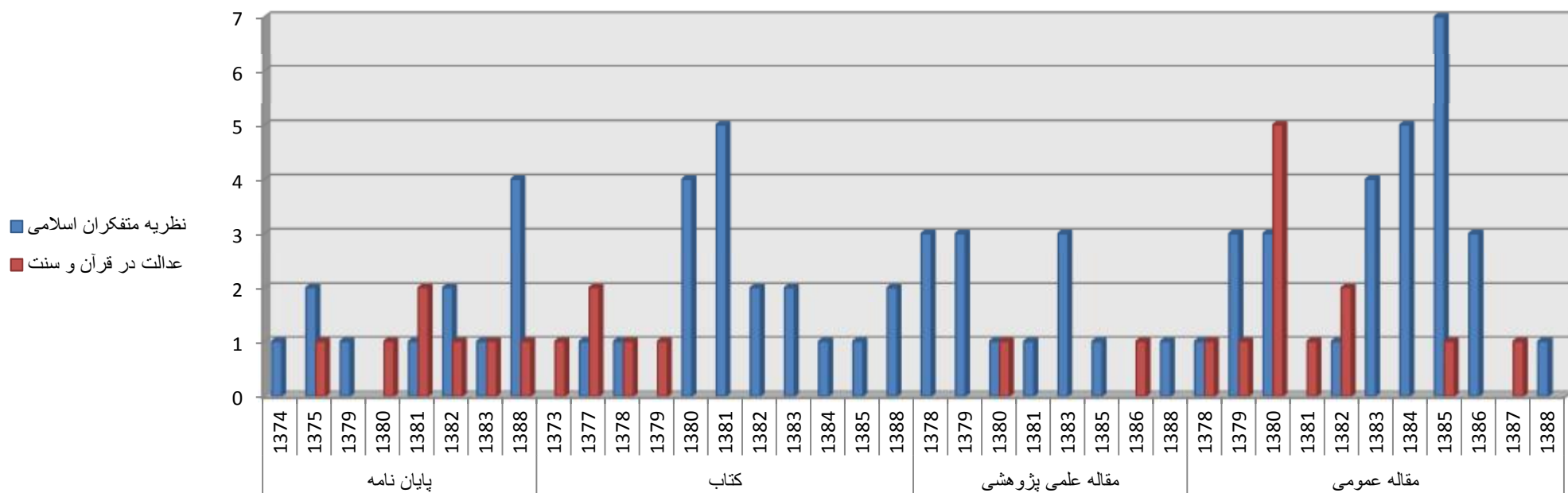
§ به روز بودن موضوع که موجب توجه دائمی و همیشگی محققان به آن شده است.

§ توجه و دغدغه بیشتر مسئولان نسبت به این حوزه که خود به خود باعث تخصیص اعتبارات بیشتر به آن شده و زمینه بهتر و مناسب‌تری را برای بسط علمی این موضوع را فراهم می‌نماید.

مقایسه فعالیت‌های علمی انجام شده پیرامون «دیدگاه متفکران اسلامی در مورد عدالت» و «مفهوم عدالت در قرآن و سنت»



فعالیت‌های اسلامی انجام شده در حوزه عدالت به تفکیک منابع



مقدمه:

فعالیت‌های علمی اسلامی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: پژوهش‌های عدالت از منظر قرآن و سنت و سیره، نظریات متفکران اسلامی پیرامون عدالت. همان‌گونه که از نمودار بر می‌آید، عمده پژوهش‌ها در حوزه بررسی نظریات متفکران اسلامی پیرامون عدالت بوده است و کمتر به منابع دینی دسته اول مراجعه شده است. بنابراین حجم بیشتر بر تبیین نظریات متفکران تمرکز دارد تا این‌که بخواهد به نظریه‌پردازی جدید و مفهوم‌پردازی از قرآن و سنت پیرامون عدالت بپردازد.

تحلیل:

عمده پژوهش‌های صورت گرفته در هر دو حوزه، دارای پراکندگی منطقی و رشد و نزول خاصی نیستند. تنها می‌توان بیان داشت که دو بازه رونق را می‌توان در نظر گرفت: ۱۳۷۹-۱۳۸۱ و نیز ۱۳۸۳-۱۳۸۵. نکته جالب توجه آن‌که همان‌گونه که اوج پژوهش‌های ناظر به تعریف نظریات عدالت در سال ۱۳۸۳ می‌باشد و عمده نظریات کار شده غربی است اما مشاهده می‌شود که اوج پژوهش‌های اسلامی نیز در سال ۱۳۸۳ است. در حالی‌که انتظار می‌رفت با شروع دولت نهم این حوزه بیشتر تقویت شود اما روند خاصی را در زمان دولت نهم و دهم مشاهده نمی‌کنیم.

قابل ملاحظه است که آنچه هم که در سال‌های دولت نهم و دهم به عنوان فعالیت پژوهشی بوده است تمرکز بر مقالات عمومی دارد تا مقالات پژوهشی که از اعتبار علمی کمتری برخوردارند و نشان دهنده عدم توجه جدی مراکز علمی و یا عدم حمایت دولت وقت به این حوزه است. از سوی دیگر مشاهده می‌شود که در بازه دولت اصلاحات این فعالیت‌ها در حوزه بررسی نظرات متفکران اسلامی بیشتر در حوزه مقالات علمی پژوهشی و کتاب و تاحدی مقالات عمومی بوده است که نشان از توجه بیشتر جامعه علمی به این حوزه در سال‌های دولت اصلاحات می‌باشد.

نکته دیگر آن‌که، آنچه که به عنوان فعالیت‌های علمی در حوزه مفهوم‌پردازی عدالت از قرآن و سنت صورت گرفته است بیشتر ناظر به مقالات عمومی بوده که به نظر چندان از لحاظ علمی قوت نداشته‌اند. هم‌چنین به علت این‌که در حوزه مقالات علمی پژوهشی و با موضوع عدالت از نگاه قرآن و سنت کار خاصی رخ نداده است، اعتبار کتاب‌هایی نیز که در این زمینه به چاپ رسیده‌اند تا حدی زیر سوال است. چرا که کتاب عمیق و بلیغ اصولاً باید از تجمیع مقالات علمی پژوهشی به چاپ برسد. این مساله را می‌توان از چند بُعد بررسی کرد: عدم حمایت دولت‌های وقت از چنین

پژوهش‌هایی، عدم اقبال و پذیرش جامعه علمی کشور به تلاش در حوزه قرآن و سنت و مهم‌تر از همه ناتوانی جامعه علمی کشور در پرداختن به چنین حوزه دشواری که نیاز به تسلط بر منابع دینی دارد.